

## ظهر نویسی مقررات و انواع آن

تعریف و مفهوم ظهر نویسی

آثار و احکام ظهر نویسی :

- ۱- مسوولیت تضامنی ، ۲- عدم تأثیر ابرادات ۳- ظهر نویسی و انتقال اسناد
- ۴- ظهر نویسی و ضمانت امضاء کننده ۵- ظهر نویسی و ورشکستگی مسوولان ،
- برات ، ۶- ظهر نویسی و امتیازات

انواع ظهر نویسی :

- ۱- ظهر نویسی به منظور انتقال ، ۲- ظهر نویسی به نمایندگی ۳- ظهر نویسی
- به همتوان رهن ، ۴- ظهر نویسی به منظور ضمانت

سید مرتضی حسینی نهرانی

## تعریف و مفهوم ظهر نویسی

ظهر نویسی نوشتن عبارت یا عباراتی است بر پشت سند که مبین انتقال حق مندرج در سند مزبور و مثبت آنست .

بنابراین ظهر نویسی مسبوق به یک عمل حقوقی مانند انتقال مال ، دین ، اجاره ، وثائق ، اجاره ، طلب و نظائر آنها میباشد . عمل حقوقی مورد بحث به موجب ماده ۱۹۱ و ۱۹۲ و نتیجه به مواد ۱ و ۲۳۳ قانون مدنی<sup>۲</sup> قراردادی است لازم ، از این رو طرفین معامله یعنی ظهر نویس و منتقل الیه باید دارای شرایط اساسی برای صحت قرارداد ، مانند قصد و رضا ، اهلیت و دیگر شرایط مذکور در ماده ۱۹۱ قانون مدنی باشند . علیهذا اگر تاجر بعد از توقف ، براتی را ظهر نویسی کند این ظهر نویسی بعلت فقد اهلیت ظهر نویس بلا اثر

۱- ماده ۲۱۹ قانون مدنی : « عقودی که بر طبق قانون واقع شده باشد بین متعاضلین و قائم مقام آنها لازم الاتباع است مگر اینکه برضای طرفین اقاله یا بعلت قانونی فسخ شود . »

۲- ماده ۱۰ قانون مدنی : « قراردادهای خصوصی نسبت بکسانی که آنها تعهد نموده اند در صورتیکه برخلاف صریح قانون نباشد نافذ است . »

ساده ۲۳۳ قانون مدنی : « هر معامله که واقع شده باشد بحمول بر صحت است مگر اینکه فساد آن معلوم شود . »

\* نظر به اهمیت مباحث مربوط به ظهر نویسی و لزوم دقت فقهی در برخی مفاهیم از قبیل ضمانت تضامنی ، و نیز بازنگری در بخشی از مقررات قانون تجارت ، از دانشمندان و خوانندگان صاحب نظر میخواهیم که پیشنهادهای اصلاحی و مقالات سبائی خود را در این زمینه برای درج در « فصل نامه » ارسال فرمایند . « فصل نامه »

است و نیز سفته‌ای که برای پرداخت بدهی ناشی از معامله حرام ظهرنویسی شده باشد به علت عدم مشروعیت جهت معامله، بلااثر است.

ماده ۲۴۵ قانون تجارت مصوب ۱۳ اردیبهشت ماه ۱۳۱۹ مقرر می‌دارد:

« انتقال برات بوسیله ظهرنویسی بعمل می‌آید ».

باستناد مواد ۲۴۷ و ۳۰۹ و ۳۱۴ همان قانون<sup>۱</sup> و طبق مندرجات ماده ششم<sup>۲</sup> تصویبنامه هیئت وزیران مربوط به انبارهای عمومی مصوب شهریورماه ۱۳۴۰ شمسی مقررات ماده ۲۴۵ فوق‌الاشعار به ترتیب شامل فته‌طلب - چک - قبض رسید انبار و برگ وثیقه انبارهای عمومی نیز میشود.

از مندرجات مواد مذکور در فوق ظاهراً استنباط میشود که ظهرنویسی برخلاف ترتیبی که مادر ابتدای این مقال ذکر کرده‌ایم عمومیت ندارد و از طرف مقنن بموارد برات - فته طلب - چک - قبض رسید و برگ وثیقه انبارهای عمومی منحصر و محدود شده است.

این استنباط همانطوریکه قبلاً اشاره شد مسامحه در تعبیر است زیرا ظهرنویسی با عنایت بمندرجات ماده ۲۶۴ قانون تجارت که می‌گوید: « ظهرنویسی باید به امضاء ظهرنویس برسد، ممکن است در ظهرنویسی تاریخ و اسم کسیکه برات به او انتقال داده میشود قید گردد » مانند سایر اسناد نوشته ایست که بمنظور اثبات حق بکار میرود و مفهوم مندرجات ماده مزبور مدلول تعریفی است که در مواد ۱۳۸۴ و ۱۳۰۱ قانون مدنی بشرح زیر راجع بمد رک مثبت حق اعم از سند یا نوشته ذکر شده است.

ماده ۱۳۸۴ « سند عبارت است از هر نوشته که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد ». ماده ۱۳۰۱ « امضائیکه در روی نوشته یا سندی باشد بر ضرر امضاء کننده دلیل است ».

علیهذا بنابر اطلاقات و عمومیات مندرجات مواد سابق الذکر قلمرو ظهرنویسی محدود به برات و سفته و چک یا قبض انبارهای عمومی نبوده بلکه شامل اسناد اجاره - طلب - حواله - بیمه‌نامه - بارنامه کشتی و سهام قرضه که مشعران انتقال حق میباشند نیز میشود<sup>۳</sup> چنانکه در

۱ - ماده ۳۰۹ قانون تجارت « تمام مقررات راجع به بروات تجارتنی ( از بحث چهارم الی آخر فصل اول این باب ) در مورد فته طلب نیز لازم‌الرعایه است ».

ماده ۳۱۴ قانون تجارت: « صدور چک ولو اینکه از محلی بمحلی دیگر باشد ذاتاً عمل تجارتنی محسوب نیست لیکن مقررات این قانون از ضمانت صادر کننده و ظهرنویسها و اعتراض و اقامه دعوی ضمانت و مفقود شدن راجع به بروات شامل چک نیز میشود. »

۲ - ماده ششم تصویبنامه هیئت وزیران مورخ یازدهم شهریورماه ۱۳۴۰ شمسی: « قبض رسید و برگ، وثیقه انبارهای عمومی را میتوان توأم یا جداگانه از طریق ظهرنویسی منتقل نمود ... »

۳ - مگر معاملات راجع به عین منافع املاک و یا حقوق و همچنین معاملات راجع به صلحنامه و هبه‌نامه و شرکتنامه و سهام شرکتها که باید به ترتیب طبق مواد ۴۶ و ۴۷ قانون ثبت اسناد و املاک مصوب سال ۱۳۱۰ و مواد ۳۹ و ۴۰ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۳/۹/۱۹ بعمل آید.

عقد حواله اگر مدیون حواله داده باشد که طلبکار دین را از کسی ( محال علیه ) بگیرد و طلبکار در پشت سند حواله پس از قبول محال علیه، حواله را با این عبارت « مبلغ مورد این حواله بحاصل سند پرداخت شود » بدیگری منتقل سازد و آنرا امضاء کند این انتقال به استناد مواد ۱۲۸۴ و ۱۳۰۱ قانون مدنی بلاشکال بوده و صحیح واقع شده است .

چنانکه ملاحظه میشود مفهوم ظهرنویسی در قانون مدنی و قانون تجارت یکی است ولی ظهرنویسی برات - سفته - چک - قبض رسید و برگ و وثیقه انبارهای عمومی دارای آثار و احکامی است که در مابیر اسناد دیده نمیشود .

## آثار واحکام ظهرنویسی

### ۱

#### مسئولیت تضامنی

بموجب مندرجات ماده ۶۹۸ قانون مدنی ضمانت اگر در سند قید شود مفهوم آن نقل ذمه به ذمه است، یعنی بعد از اینکه ضمان بطور صحیح واقع شد مضمون له حق رجوع به بدهکار ( مضمون عنه ) را نداشته و برای استیفای طلب خود فقط باید بضامن رجوع کند حال آنکه بصراحت مقررات ماده ۲۴۹ قانون تجارت<sup>۱</sup> و باتوجه بمواد ۲۰۹ و ۳۱۴ همین قانون دارنده برات - سفته - چک - بشرط رعایت مقررات مباحث نهم و دهم از باب چهارم قانون تجارت راجع به حقوق و وظایف دارنده برات و اعتراض بدون رعایت حفظ ترتیب و تقدم و تأخر و به هر نحو که مایل باشد میتواند به یکایک ظهرنویسان اوراق مزبور مراجعه و وجه مندرج در سند را به انضمام وجوه و سایر خسارات متعلقه قانونی مطالبه کند - مراجعه دارنده برات به هر یک از ظهرنویسان مانع مراجعه او بسایرین نمیشود و همین حق را هر ظهرنویس نسبت به ظهرنویسهای ماقبل خود و صادرکننده اوراق مزبور دارد . در ماده ۸ تصویبنامه تأسیس انبارهای عمومی مسئولیت تضامنی ظهرنویسان برگ و وثیقه در مقابل دارنده آن پیش بینی شده است. بموجب این ماده ظهرنویسان برگ و وثیقه در مقابل دارنده آن مسئولیت تضامنی دارند و هر گاه ما حصل فروش کالا برای پرداخت طلب

۱ - ماده ۲۴۹ قانون تجارت « برات دهنده - کسیکه براترا قبول کرده و ظهر نویسها در مقابل دارنده برات مسئولیت تضامنی دارند . دارنده برات در صورت عدم تادیه و اعتراض میتواند بهر کدام از آنان که بخواهد متفرداً یا بچند نفر یا تمام آنان مجتمعاً رجوع نماید . »

دارنده وثیقه کافی نباشد دارنده برگ وثیقه میتواند نسبت به بقیه طلب خود به یکایک  
ظهنویسان مراجعه کند .

۲

## عدم تاثیر ایرادات

طبق اصول کلی حقوقی قلمرو موضوع انتقال معامله محدود و منحصر بهمان حقی است  
که ناقل آن دارا میباشد . عبارت دیگر منتقل الیه نمیتواند بیش از حقی که انتقال دهنده  
داشته تحصیل کند ولی در انتقال حق بوسیله برات عکس این اصل حقوقی مصداق پیدا  
میکند، باین معنی که در مقام دفاع دارنده برات با استثنای پاره‌ای موارد میتواند علیه مسئول  
برات بیش از حقی که به او منتقل شده مطالبه کند .

مقررات مورد بحث در ماده ۱۷ قانون تجارت متحدالشکل ژنو مصوب سال ۱۹۳۲ بشرح  
زیر متعکس است .

« بدهکار و کلیه مسئولین برات که از طرف دارنده برات بعلت عدم تأدیه مبلغ برات  
علیه آنان اقامه دعوی شده نمیتوانند با ایرادات مربوط به روابط حقوقی خود با برات‌کش  
یا دارندگان قبلی برات استناد کنند مگر آنکه دارنده برات عمداً به زیان بدهکار برات را  
بدست آورده باشد . »

منظور از ایرادات مورد بحث ایراد به مفهوم عام آنست که شامل وسائل دفاعی اعم  
از دفاع بمعنای اخص - ایرادات ضمن پاسخ در ماهیت دعوی - ایرادات بدون پاسخ از  
مادیت دعوی ( مواد ۱۹۷ و ۱۹۸ قانون آئین دادرسی مدنی ) و دعوی متقابل میباشد .  
مفهوم مندرجات ماده ۱۷ قانون متحدالشکل ژنو با ذکر دو مثال زیر روشن میشود .  
مثال اول - احمد بابت معامله ده عدل تماش که به بهای پانصد هزار ریال با محمدانجام  
داده برات سه ماهه بهمان مبلغ عهده او صادر و بلافاصله پس از قبولی محمد آنرا به علی طلبکار  
خود واگذار میکند - علی ( دارنده برات ) برای وصول مبلغ برات در رأس مدت مقرر به  
محمد، گیرنده برات مراجعه مینماید. ولی نامبرده به فسخ معامله بعلت عدم تحویل کالا ایراد  
کرده از پرداخت وجه برات خودداری میکند . اگر معامله بصورت عقد مدنی مثلاً حواله واقع  
میشد با توجه باینکه طبق اصول کلی حق علی ( محال ) محدود و منحصر بحق احمد  
( محیل ) است و در این مثال که حق احمد بر محمد بعلت فسخ معامله ساقط شده ایراد مورد  
استناد محمد ( محال علیه ) مؤثر در مقام بود لکن نظر به اینکه انتقال بصورت برات واقع  
شده ایراد مورد استناد که مربوط به روابط حقوقی برات‌گیر با برات‌کش است بصراحت

قانون متحدالشکل ژنو بلاوجه بوده و محمد مکلف به پرداخت برات به علی، دارنده برات میباشد.

**مثال دوم-** محمد براتبراکه از طرف احمد بمبلغ پانصد هزار ریال صادر و به علی واگذار شده بابت بدهی خود به احمد قبول میکند ولی در موقع مراجعه علی (دارنده برات) ایراد میکند: معامله ای که با احمد کرده و منشاء صدور برات بوده به اکراه صورت گرفته و باین دلیل صدور برات سلاک قانونی نداشته است و طبق ماده ۲۰۳ قانون مدنی نافذ نیست.

این ایراد چون مربوط به روابط حقوقی برات گیر (محمد) با برات کش (احمد) است طبق قانون متحدالشکل ژنو مؤثر در مقام نیست و علی حق دارد با وجود اینکه معامله مزبور به اکراه صورت گرفته و چه براترا از برات گیر و ممول کند.

### ۲۰۱ - شرایط عدم تأثیر ایرادات

استناد به عدم تأثیر ایرادات به صراحت مندرجات ماده ۱۷ قانون متحدالشکل ژنو منوط به احراز دو شرط است.

**شرط اول:** آنستکه ایرادات مورد استناد مربوط به روابط حقوقی مسئولین برات بایراد کش یا دارندگان قبلی برات باشد - حسن نیت دارنده برات در تحصیل آن موضوع شرط دوم آنست. طبق شرط اول دارنده برات در صورتی میتواند بعدم تأثیر ایرادات استناد کند که ایرادات مورد استناد همانطوریکه در مثال های فوق توضیح داده شد مشعر به روابط حقوقی براتگیر با براتکش یا ظهرنویسان قبلی باشد علیهذا چنانچه ایرادات مورد بحث مستقیماً مربوط به روابط حقوقی بین دارنده برات و گیرنده آن و یا دارنده برات و ظهرنویس مورد مراجعه او باشد این قبیل افراد حق دارند به ایرادات سابق الذکر استناد و از پرداخت وجه برات به دارنده برات خودداری کنند.

**شرط دوم:** در صورتی احراز میشود که دارنده برات آنرا با حسن نیت بدست آورده باشد و منظور از حسن نیت اینست که تحصیل برات عمداً بزبان بدهکار آن نباشد.

بنابراین اگر دارنده برات در موقع تحصیل آن علم و معرفت به زیان معامله و توجه آن به براتگیر داشته ولو اینکه قصد فریب او را نداشته باشد سؤنیت او محرز و در صورت مراجعه براتگیر حق دارد با استناد زیان وارده (با اینکه این زیان مولود عمل براتکش میباشد) از تأدیه وجه برات استنکاف کند.

دعوای زیر که در سال ۱۹۳۵ میلادی در دیوان عالی کشور فرانسه طرح شده مفهوم حسن نیت مورد بحث را روشن میسازد.

شرکت اتومبیل سازی مبتلا به بحران مالی به امید جلوگیری از ورشکستگی احتمالی خود بموجب آگهی مندرج در جرائد تعهد میکنند در صورتیکه سفارش دهندگان کالا قسمتی از

بهای فعلی سفارشات خود را تقدماً پرداخته و باقیمانده آنرا بوسیله برات قبول کنند، از افزایش بهای کالا که در موقع تحویل از خریداران گرفته خواهد شد معاف خواهند بود. پس از انتشار آگهی مزبور معدودی برات صادر و از طرف یکی از بانکها پس از قبولی براتگیر معامله میشود، لکن ورشکستگی شرکت در اندک مدتی اعلام و در نتیجه تحویل اتومبیل به سفارش دهندگان از طرف مقامات صالحه منع میشود. یکی از بدهکاران که در موقع مراجعه بانک از پرداخت وجه برات خودداری میکند پس از طرح دعوی در دادگستری در مقام دفاع میگوید: چون بانک دارنده برات در موقع تحصیل آن عارف به بحران مالی شرکت (براتکش) و بالتیجه عدم امکان تحویل کالا بوده بنابراین عالمأ به زیان او عمل کرده، علیهذا واجد شرائط حسن نیت مذکور در ماده ۱۷ قانون متحدالشکل ژنونیباشد با این دفاع بانک که در مراحل بدوی و پژوهشی محکوم شده ضمن تنظیم دادخواست به دیوانعالی کشور مراجعه میکند. دیوانعالی نیز پس از رسیدگی به پرونده امر رأی محکمه تألیف بشرح زیر ابرام میکند.

دارنده برات عالمأ به زیان براتگیر براترا بدست آورده زیرا عبارت «دارنده برات عمداً به زیان بدهکار عمل کند» مذکور در قانون متحدالشکل ژنونی منطوق و مفهوم موردی است که دارنده برات ضمن اعلام رضایت به ظهر نویسی بِنفع خود علم و معرفت به زیان براتگیر داشته و بداند که انتقال مزبور به زیان بدهکار تمام میشود.

در دعوی مطروحه با توجه به محتویات پرونده و اوضاع و احوال قضیه بنظر دیوانعالی ثابت و محرز است که دارنده برات با اطلاع از بحران مالی شرکت و عدم امکان تحویل کالا یعنی بلا محل بودن برات اقدام بتحصول آن کرده تا باین وسیله براتگیر را از امکان دفاع در مقابل براتکش (شرکت اتومبیل سازی) بعلت عدم تحویل کالا محروم و مجبور بپرداخت وجه برات بِنفع خود کند.

بنا به مراتب طبق رأی دیوانعالی کشور فرانسه هر کسیکه عمداً بزین بدهکار (برتگیر یا هر یک از ظهرنویسان برات) براتی تحصیل کرده ولو اینکه قصد فریب مسئول براترا نداشته باشد نمیتواند از مقررات ماده ۱۷ قانون متحدالشکل ژنونی مربوط بعهده تأثیر ایرادات استفاده کند و باید درین قبیل موارد از مقررات قانون مدنی و آئین دادرسی مدنی تبعیت نماید.

ولی باید توجه داشت که صرف اطلاع دارنده برات از عیب و نقص موضوع معامله بدون اینکه قصد زیان بدهکار را داشته باشد مانع مراجعه او به بدهکار نبوده بلکه میتواند به اتکاء مقررات مربوط بعدم تأثیر ایرادات براتگیر را مکلف بپرداخت وجه برات کند برای روشن شدن مطلب مثال زیر را می آوریم.

علی کالای معیوب را به تقی میفروشد و بابت بهای آن براتی بمدت سه ماه بمبلغ

چهارصد هزار ریال از ناسبرده دریافت میکند حال اگر علی در رأس مدت برای وصول وجه برات به تقی مراجعه میکرد با ایراد معیوب بودن کالا از طرف ناسبرده و بالنتیجه عدم دریافت وجه برات مربوطه مواجه میشد، لکن برات پس از صدور بنام محمد که از عیب موصوف مطلع بوده ظهرنویسی میشود. تقی در موقع مراجعه محمد (دارنده برات) باستناد معیوب بودن کالا و تحمل زیان از پرداخت وجه برات خودداری می کند ولی محمد با توجه بخصوصیات امر (نسیه بودن معامله و سهم نبودن عیب کالا) و همچنین سابقه تجارتنی مستند بین برات گیر و براتکش و بالنتیجه احتمال سازش بین آنان ادعا میکند با آنکه از عیب معامله اطلاع داشته ولی قصد زیان بدهکار را نداشته است بدیهی است اثبات این ادعا که بعهده دارنده برات یعنی محمد است بهر طریقی ولو به شهادت شهود ممکن است.

از طرفی همانطوریکه اشاره شد احراز سؤنیت دارنده برات منوط به حصول دو شرط است. اول آنکه دارنده برات در موقع تحصیل برات از زیان معامله مطلع باشد دوم آنکه در همان موقع بقصد تحمیل زیان به بدهکار براترا بدست آورده باشد علیهذا چنانکه دارنده برات در موقع ظهرنویسی برات بفتح خود از زیان مسئول برات اطلاع نداشته و بعد از تحصیل برات از زیان وارده مطلع شود این اطلاع مثبت سؤنیت و در نتیجه مسقط حق مراجعه دارنده برات به براتگیر نمیشود ولی اگر دارنده برات در موقع تحصیل آن زیان وارده را پیشبینی میکرد در اینصورت مانند موردیکه قصد زیان به مسئول براترا داشته نمیتواند به مقررات مربوط به عدم تأثیر ایرادات استناد کند.

چنانکه ملاحظه میشود طبق رأی صادره از دیوانعالی کشور فرانسه تشخیص حسن نیت و سوءنیت مذکور در قانون متحدالشکل ژنو بنابر ضوابطی است که موارد آن در بالا ذکر شد لکن بموجب آرائی که بعد از سال ۱۹۳۵ میلادی صادر شده دیوانعالی و سایر محاکم صالحه تشخیص حسن نیت و سؤنیت را منحصرأ در صلاحیت قضات ماهوی دانسته که با توجه به اوضاع و احوال قضیه، امارات و ترائن مشهوده و همچنین نوع معامله و قصد طرفین به موضوع دعوای مطروحه رسیدگی نموده حکم مقتضی صادر نمایند.

#### ۲ - ۲ - قلمرو اصل عدم تأثیر ایرادات

قلمرو اصل عدم تأثیر ایرادات یا اصل عدم استناد به ایرادات مانند سایر مقررات قانون تجارت، استثنائی بر مقررات قانون مادر یعنی قانون مدنی بوده و همانطوریکه قبلاً اشاره شد بهروابط حقوقی بین براتگیر و حامل برات محدود میشود و در سایر موارد که در پائین چند مورد آن بعنوان مثال ذکر میشود ایرادات براتگیر علیه حامل برات یا سایر ظهرنویسان طبق موازین قانون مدنی و قانون آئین دادرسی مدنی مؤثر در مقام بوده و قابل دفاع است.

الف - فقدان شرایط اساسی - هرگاه برات فاقد یکی از شرایط اساسی مقرر در فقرات ۲-۳-۴ -  
 ۶-۷-۸ ماده ۲۳ قانون تجارت باشد براتگیر میتواند با استناد ایراد به فقرات فوق الذکر از پرداخت وجه برات بحامل آن خودداری کند زیرا در موارد مزبور حقوق براتگیر مربوط به روابط خصوصی و شخصی بین او و دارنده برات نبوده بلکه از متررات قانون ناشی میشود.<sup>۱</sup>

ب - عدم اهلیت - در موردیکه برات بوسیله براتکش یا براتگیر یا ظهرنویس صغیر یا مجنون امضاء شده باشد نامبردگان یا نمایندگان قانونی آنان در موقع مراجعه حامل برات ضمن ایراد عدم اهلیت میتوانند از پرداخت وجه برات خودداری کنند زیرا اهلیت ناشی از وضع و حالت امضاءکننده است که مورد حمایت قانون قرار گرفته است.

ج - در صورتیکه برات طبق مقررات ظهرنویسی مذکور در قانون تجارت بدست نیامده باشد، مثل اینکه از طریق انتقال طلب به حامل منتقل گردیده یا آنکه ظهر نویسی پس از اعتراض ( پروتست ) واقع شده باشد، براتگیر حق دارد به همان ایراداتی که میتواند در دعوی مطروحه علیه ناقلین ( براتکش یا هر یک از ظهرنویسان قبلی ) طرح کند، بطرفیت دارنده برات نیز استناد کند. مثلاً اگر وجه برات بین براتگیر و براتکش تهاتر شده باشد براتگیر میتواند به این ایراد تهاتر علیه دارنده برات نیز استناد کند.

د - هرگاه مورد ایراد مربوط به روابط حقوقی بین گیرنده و دارنده برات باشد مثل اینکه گیرنده برات پس از قبولی آن طلبکار حامل برات بشود یا دارنده برات در عین حال براتکش هم باشد<sup>۲</sup> و برات محل نداشته باشد یا محل آن از طریق نامشروع بدست آمده باشد، در این قبیل موارد با توجه به توضیحات سابق الذکر حق استفاده به کلیه ایرادات قانونی برای مسئول برات باقی است.

### ۲-۳ - قلمرو عدم تأثیر ایرادات و قانون تجارت ایران

مقررات مربوط بعدم تأثیر ایرادات که در قانون متحدالشکل ژنو پیش بینی و بعداً در بسیاری از قوانین مغرب زمین وارد شده تاکنون صریحاً در قانون تجارت ایران در نظر گرفته نشده است، لکن پس از تجزیه و تحلیل مواد قانون تجارت راجع به ظهر نویسی و ضمانت و قبول برات که ذیلاً مورد بحث قرار میگیرد میتوان گفت مقررات مزبور تلویحاً مورد توجه مقنن ایران بوده است.

۱ - در ماده ۲۳۶ قانون تجارت تاریخ تأدیه وجه برات ( سررسید ) نیز ضمن شرایط اساسی برات شمرده شده ولی با توجه به مندرجات ماده ۲۴۳ همین قانون که میگوید هرگاه براتی بی وعده قبول شد باید فوراً پرداخت شود و همچنین با عنایت به مقررات قانون متحدالشکل ژنو که برات بدون سررسید در حکم برات به رؤیت شناخته شده، علیهذا تاریخ تأدیه از شرایط اساسی برات نبوده و عدم ذکر آن در سند موجب ابطال برات نمیشود.

۲ - میدانیم براتکش پس از صدور میتواند براترا بنام خود ظهرنویسی کند ( ماده ۴۴۹ قانون تجارت ).



## الف - تعدد ظهرنویسان و امضای آنها در پشت سند

این تعدد بمنظور افزایش اعتبار و جلب اعتماد اشخاص ذینفع و سرعت و سهولت مبادله برات پیش‌بینی شده است بنابراین تجویز تأثیر ایرادات در دعوی مطروحه از طرف حامل علیه براتگیر یا سایر مسئولین برات موجب تزلزل اعتبار و بطوء مبادله سند میشود بطوریکه هر چه امضای برات بیشتر باشد اعتبار آن بهمان نسبت کسر و بالنتیجه بیشتر موجب تضحیح حق دارنده برات میشود.

## ب - ضمانت تضامنی مسئولین برات

ضمانت مذکور که در ماده ۴۰ و ۴۱ قانون تجارت پیش‌بینی شده قرینه دیگری بر عدم تأثیر ایرادات است زیرا بموجب ماده مزبور کسیکه برات را قبول کرده و ظهرنویسان در مقابل دارنده برات مسئولیت تضامنی دارند بنابراین یکایک مسئولین برات با توجه به استقلال امضای آنان در برات اعم از گیرنده برات یا ظهرنویس بعلت تعهد مستقیمی که در نتیجه ضمانت تضامنی در مقابل دارنده برات دارند نمیتوانند باستناد روابط حقوقی خود با هر یک از ظهرنویسان قبلی یا براتکش از پرداخت وجه برات خودداری کنند.

## ج - قبول برات و عدم امکان نکول آن

عدم امکان نکول پس از قبولی از طرف براتگیر که در مواد ۲۳ و ۲۳۱ قانون تجارت ذکر شده دلیل بارز و روشنی بر تعهد مستقیم براتگیر در مقابل دارنده برات است اعم از اینکه برات با محل یا بی محل باشد و بطور کلی تعهد مزبور قطع نظر از روابط حقوقی براتگیر با سایر مسئولین برات است. بموجب ماده ۲۳۰ قانون قبول کننده برات ملزم است وجه آنرا در سررسید بپردازد و بحکم ماده ۲۳۱ سابق الذکر قبول کننده برات حق نکول ندارد مستنبط از مواد فوق اینست که براتگیر قبل از قبولی سند شخص خارجی بوده و هیچگونه مسئولیتی در مقابل دارنده برات ندارد ولی پس از قبولی برات با توجه به اطلاعات و عمومیات مندرجات دو ماده مورد بحث در مقابل دارنده برات تعهد مستقیم ناشی از سند داشته و بعلاوه حق نکول یعنی حق اسقاط تعهد و خودداری از تأدیه وجه برات را به لحاظ قاعده لزوم تعهدات ندارد. علیهذا الزام به وفای عهد و عدم امکان اسقاط آن پس از قبولی بشرحی که گفته شد مبین و مشعر عدم تأثیر ایرادات مطروحه از طرف براتگیر در مقابل دارنده برات است.

## د - مقررات ماده ۳۰۷ قانون تجارت

این مقررات دلیل دیگری بر غیرقابل استناد بودن ایرادات است زیرا بموجب این ماده فته و لیب سندی است که بموجب آن امضاء کننده تعهد میکند مبلغی در موعد معین یا عندالمطالبه در وجه حامل یا شخص معین بپردازد - علیهذا تکلیف متعهد به پرداخت وجه سفته به حامل آن دلیل بارز و روشنی است باینکه حق حامل ناشی از سفته است و ارتباطی با ظهرنویسان ندارد علیهذا بدیهکار سفته نمیتواند باستناد روابط حقوقی خود با احد از ظهرنویسان یا صادرکننده

سفته از تأدیه وجه برات بحامل سفته خودداری کند .

بجهاث فوق از محاکم ایران آرائی که مبین عدم تأثیر ایرادات است صادر شده که سه فقره آن ذیلا نقل میشود .

۱ - بموجب مواد ۲۴۹ و ۳۰۹ قانون تجارت کسی که سفته داده است در مقابل دارنده سفته مسئول است و اعتراض او بعنوان پرداخت وجه سفته به ظهرنویس وارد نخواهد بود ( شعبه سوم مورخ چهارم اردیبهشت ۱۳۲۷ ) .

۲ - بموجب مواد ۲۴۹ و ۳۰۷ قانون تجارت دارنده سفته در صورت عدم تأدیه و پروتست میتواند بهریک از سفته دهنده و ظهرنویس رجوع کند و تنظیم قرارداد بین دهنده سفته و ظهرنویس رافع حکم مزبور نخواهد بود ( شعبه ششم مورخ ۲۷/۹/۱۳۲۷ )

۳ - برطبق ماده ۳۰۹ قانون تجارت قسمتی از مقررات بروات تجارتي که از جمله ماده ۲۴۹ قانون مزبور میباشد، در مورد سفته لازم الرعایه است و چون بر طبق ماده اخیر دهنده برات و کسی که براترا قبول کرده و ظهر نویسها در مقابل دارنده برات مسئولیت تضامنی دارند و در صورت عدم تأدیه وجه برات و پروتست، دارنده برات میتواند بهر کدام از آنان که بخواهد منفرداً یا مجتمعاً رجوع کند. بنابراین استدلال دادگاه بر بی حقی دارنده سفته در مطالبه آن از صادر کننده، در زمینه اینکه سفته مزبور به تعهد ظهرنویس بر انتقال خانه خود بصادر کننده بوده و تعهد مزبور اجراء نشده است، بر فرض صحت، در مقابل دارنده سفته که اطلاعاتی از جریان امر معلوم نیست، صحیح نخواهد بود (شعبه چهارم ۱/۲۰/۱۳۲۸) .<sup>۱</sup>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### ظهر نویسی و انتقال اسناد

صرف امضای ظهرنویس در پشت برات ، سفته ، چک ، یا قبض و ثبته انبارهای عمومی حاکی از انتقال اسناد مزبور است . در ماده ۱۱۸ قانون تجارت فرانسه و ماده ۱۲ قانون متحدالشکل ژنو ظهرنویسی برات و سفته پیش بینی شده، باین معنی دارنده برات میتواند پس از امضای ظهر سفته یا برات بدون ذکر عبارت دیگری و بدون اطلاع مدیون سند را به دیگری منتقل کند. مندرجات ماده ۲۴۹ قانون تجارت که میگوید « . . . ممکن است در ظهر نویسی تاریخ و اسم کسیکه برات به او انتقال داده میشود قید گردد. مؤید این نظریه

۱ - سه فقره احکام فوق الذکر از سخنرانی آقای سنکوتی قاضی دادگستری در دادگستری قزوین استخراج شده است ( یک نسخه از متن سخنرانی در پرونده شماره ۱۷ - بایگانی اداره حقوقی وزارت دادگستری ضمیمه است )  
 ۲ - ماده ۳۱۲ قانون تجارت « . . . ممکن است بصرف امضاء در ظهر بدیگری منتقل شود . »



است زیرا ذکر عبارت « ممکن است » در ماده فوق مجوز امکان عدم درج اسم منتقل الیه در پشت سند است .

در عرف تجارت در ایران و بازارهای بین‌المللی نیز ظهرنویسی سفید مجاز شمرده شده، حال آنکه در انتقال طلب یا حقوق دیگر مانند بیمه نامه یا بارنامه انتقال حق وقتی تحقق پیدا میکند که نام منتقل الیه در پشت سند قید گردد بعلاوه در این قبیل اسناد چنانچه انتقال باطلاع مدیون نرسیده و نامبرده بدهی خود را بعد از انتقال بدین سابق تأدیه نماید منتقل الیه حق رجوع به او نخواهد داشت ( ماده ۳۸ قانون اعسار مصوب ۲ آذرماه ۱۳۱۳ شمسی با اصلاحات بعدی )

۲۶

### ظهر نویسی و ضمانت امضاء کننده

صرف امضای ظهر سفته یا برات ظهور در ضمانت امضاء کننده دارد . در مواد ۳۰ و ۳۱ قانون متحدالشکل ژنو و ماده ۱۳۰ قانون تجارت فرانسه و بعضی کشورهای دیگر تحقق ضمانت در برات پس از امضای تنهای ضامن، صریحاً پیش بینی گردیده است . در قانون تجارت ایران تنها ماده‌ای که به ضمانت در برات اشاره میکند ذیل ماده ۲۴۹ این قانون است بشرح زیر :

« . . . ضامنی که ضمانت برات دهنده یا محال‌علیه یا ظهرنویس را کرده فقط با کسی مسئولیت تضامنی دارد که از او ضمانت نموده است . » بطوریکه ملاحظه میشود مندرجات ماده مزبور صریحاً دلالت بر تحقق ضمان بصرف امضای ضامن ندارد و بهمین جهت رویه قضائی محاکم ایران تا کنون قطعی بنظر نمیرسد . در سال ۱۳۴۶ شمسی از طرف نگارنده بوکالت شرکت . . . علیه آقای اصغر . . . که به ضمانت متعهد سفته، یعنی احمد، پشت‌سفته را امضاء کرده بود، بمنظور وصول مبلغ سفته ددوایی در شعبه ( ۷ ) دادگاه بخش مطرح میشود .

دادگاه باستناد اینکه ضمان و تعهد محتاج به کاشفی از لفظ و عبارت و عمل علاوه بر امضاء است و امضای ظهر بهیچوجه حاکی از اراده حقیقی و قصد و رضای ضمان و تعهد تجاری و یامدنی امضاء کننده مزبور نمیباشد حکم به بطلان دعوی مطروحه میدهد. این حکم پس از پژوهشخواهی در شعبه ۲۴ دادگاه شهرستان مطرح و بموجب دادنامه ۳۰۳ - ۴۹/۳/۲۴ ( پرونده ۱۰۷۱/۴۸ ) تأیید میشود. دیوانعالی کشور بموجب پرونده ۵۰۹۰/۲۴ ح - ۴۹/۸/۲۱ ضمن تأیید دلائل مشروحه نگارنده در لوایح بدوی و پژوهشی حکم

فرجام‌خواسته را نقض و پس از طرح مجدد دعوی در محکمه تالی حکم بنفع موکل صادر میشود .

دلایل مورد استناد که مورد تأیید دیوانعالی کشور قرار گرفته بشرح زیر است :

الف- بصراحت مقررات قانون مدنی تحقق عقد و از جمله ضمان مبتنی و وابسته به حکومت اراده‌متعاملین است که بهر نحو مایل باشند میتوانند آنرا واقع سازند، بهمین جهت ماده ۱۹۱ قانون مدنی مقرر میدارد که « عقد محقق میشود به قصد انشاء بشرط مقرون بودن به چیزیکه دلالت بر قصد کند ». در مواد ۱۹۲ و ۱۹۳ و ۱۹۴ همین قانون مفهوم چیز به الفاظ و اشارت و اعمال تعریف شده است .

علیهذا فعلیکه مبین قصد و رضا باشد ( منجمله امضای پشت سفته ) برای اعلام قصد و انعقاد عقد کافی میباشد، چنانکه در تأیید این مطلب مقنن در ماده ۱۹۳ قانون مدنی میگوید « انشاء معامله ممکن است بوسیله عملی که مبین قصد و رضا باشد مثل قبض و اقباض حاصل گردد. مگر در مواردیکه قانون استثناء کرده باشد » .

بعلاوه اطلاعات و عمومات ماده مزبور شامل هر نوع عملی بطور مطلق است و در مواردیکه بعضی اعمال برای انشاء اراده حقیقی مشروط بشرطی باشد در قانون صریحاً ذکر شده است مثلاً راجع به اشاره مقنن در ماده ۱۹۳ اعمال آنرا از طرفین معامله مقید بعدم امکان تلفظ برای آنان کرده است ولی نسبت بسایر اعمال در قانون قید و شرطی ذکر نشده بنا به مراتب فوق‌الذکر صرف امضاء کاشف قصد و مبین رضا میباشد .

ب- عرف و عادت تجاری نیز دلیل دیگری بر کافی بودن امضای پشت سند برای تحقق ضمان در برات است و دلیل احراز عرف و عادت مزبور عمل بازرگانان و پیشه‌وران است که در بازارهای ایران و خارجه متداول است .

ج- دادنامه‌های صادره از محاکم ایران نیز حکایت از کفایت امضای تنها برای وقوع ضمان مورد بحث میکند که برای مثال دادنامه شماره ۸۳۰ مورخ ۱۳۴۸/۱۰/۲۴ دادگاه شهرستان تهران ذیلاً درج میشود :

« ادعای واخواه در زمینه عدم مسئولیت نسبت به سفته‌های مستند دعوی با توجه به اینکه امضای ظهر آنها را متعلق بخود دانسته بیوجه است بر فرض که بعنوان ظهرنویس مبادرت بامضای سفته‌ها ننموده باشد جهت تضمین پرداخت مبادرت به امضاء نموده چون امضای مستند، خاصه در اسناد تجاری، دارای مسئولیت تضامنی است از این نظر بعلت تضامن مسئولیت پرداخت آنرا دارد . »

علاوه بر مستندات فوق‌الذکر نظر مشورتی مورخ ۱۳۵۱/۴/۱۵ کمیسیون مشورتی آئین دادرسی مدنی مندرج در شماره ۳۶ هفتت دادگستری صفحه ۱۹۴ که ذیلاً درج میشود مؤید نظر نگارنده است . « اگر شخص ثالثی ظهر سفته را بدون درج هرگونه مطلبی

امضاء نماید این امر ظهور در ضمانت امضاء کننده دارد و در اینصورت امضاء کننده، ظهر سفته با متعهد سفته در مقابل دارنده سفته مسئولیت تضامنی خواهد داشت و عبارت ذیل ماده ۲۴۹ قانون تجارت مؤید این مراتب است.



## ظهر نویسی و ورشکستگی مسئولان برات

در صورت ورشکستگی چند نفر از مسئولین برات کسیکه برات از طریق ظهنویسی به او منتقل شده و بطور کلی دارنده برات حق دارد در هر یک یا تمام غربا برای وصول تمام طلب خود داخل شود مقررات مزبور که در ماده ۲۵۱ قانون تجارت ذکر شده یکی دیگر از امتیازاتی است که دارندگان برات میتوانند در موقع مطالبه حق خود از بدهکار یا بدهکاران مورد استفاده قرار دهند. استفاده از حق مزبور محدود به شرایط زیر است:

الف - مسئول یا مسئولین برات تاجر باشند.

زیرا بموجب ماده ۱۲۴ قانون تجارت ورشکستگی فقط در مورد تاجر و یا شرکتهای تجارتهی که متوقف اعلام شدهاند اعمال میشود بنابراین دین ناشی از برات گرچه به مستفاد از بند (۸) ماده ۲ قانون تجارت از اعمال تجارتهی است ولی دعوی مربوط به آن وقتی مشمول مقررات ورشکستگی میشود که بدهکار طبق مقررات ماده اول قانون تجارت تاجر باشد. علیهذا نظر بعضی از مفسرین به اینکه دعوی ناشی از برات ولو اینکه مسئول برات تاجر نباشد تابع تشریفات ورشکستگی است معقول بنظر میرسد<sup>۱</sup>

ب - تمام مسئولین برات ورشکست شده باشند.

چون اگر یکی از آنان معتبر باشد دارنده برات میتواند بموجب اصل ضمان تضامنی تمام طلب خود را از نامبرده وصول کند. حال مانع علوم انسانی

با احراز دو شرط فوق دارنده برات مجاز است باستناد ضمانت تضامنی بدهکاران در یکایک غربا برای وصول تمام طلب خود داخل شود مثلا اگر مبلغ برات و متفرعات آن صد هزار ریال باشد و مسئولین برات سه نفر باشند دارنده سند که از اموال غریم اول یعنی گیرنده برات پنجاه هزار ریال بدست آورده بعوض آنکه طبق مقررات ورشکستگی برای مازاد طلب خود یعنی پنجاه هزار ریال بقیه در غریم دوم شرکت کند میتواند مجدداً برای تمام طلب صد هزار ریال داخل شود و بهمین ترتیب اگر در این مرحله بتمام طلب خود نرسید حق دارد مجدداً برای تمام طلب در غریم سوم داخل شود تا بتمام طلب خود برسد و چنانچه در

۱ - دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی دائرة المعارف حقوق مدنی و تجارت صفحه ۴۳۲ سطر ۱۱ بعد.

نتیجه این عمل بیش از طلب خود وجهی در سهم او قرار گرفت، مازاد باید به ظهر نویسی داده شود که حق مراجعه بسایر ظهر نویسان را دارد.

## ۶.

### ظهر نویسی و امتیازات آن

علاوه بر امتیازاتی که راجع به ظهر نویسی در حقوق تجارت گفته شد، مقنن امتیازات دیگری در مورد برات پیش بینی کرده است که خود بخود شامل ظهر نویسی که موجب انتقال موضوع برات به دیگری است نیز میشود، از قبیل دعاوی مربوط به ظهر نویسی یا برات، که با توجه به بند ( ۸ ) ماده دوم قانون تجارت و ماده ۱۴۳ قانون آئین دادرسی مدنی اختصاری بوده و تابع تشریفات مقرر در مواد ۱۴۴ تا ۱۵۵ همین قانون میباشد. اختصاری بودن دعاوی مربوط به معاملات برات و ظهر نویسی بمنظور تضمین مقررات موضوعه راجع به سرعت مبادلات سند مزبور است.

اسکان تأمین وجه برات که از طریق ظهر نویسی بدارنده برات منتقل میشود یکی دیگر از امتیازاتی است که بموجب ماده ۲۹۲ قانون تجارت مقنن برای اشخاص ذینفع اعم از دارنده برات و ظهر نویسی در نظر گرفته است. طبق این ماده به مجرد تقاضای دارنده براتی که بعلت عدم تأدیه اعتراض شده است دادگاه مکلف است معادل وجه آنرا از اموال مدعی علیه بعنوان تأمین توقیف کند در صورتیکه در دعاوی مدنی بحکم ماده ۲۲۵ قانون آئین دادرسی مدنی تأمین مدعی محدود به موارد زیر است:

- ۱ - دعوی مستند به سند رسمی باشد .. خواسته در معرض تضییع یا تفریط باشد
- ۳ - مدعی خساراتی را که ممکن است بطرف مقابل وارد شود به تشخیص دادگاه در صندوق دادگستری تودیع کند.

از سمیزات و مشخصات دیگر برات یا ظهر نویسی که ناقل موضوع برات است اینست که موضوع برات یا ظهر نویسی منحصرأ باید وجه نقد باشد ( ماده ۲۲۳ قانون تجارت بند ۴ )<sup>۱</sup> حال آنکه موضوع ظهر نویسی مربوط بانققال طلب یا حواله ممکن است وجه نقد یا کالا یا بصورت عام مثل انتقال سهم الارث باشد. ضمناً باید توجه داشته باشیم که به دستور ماده ۲۳۹ قانون تجارت محاکم نمیتوانند بدون رضایت صاحب برات برای تأدیه وجه برات مهلتی بدهند در صورتیکه به تجویز ماده ۲۷۷ قانون مدنی حاکم میتواند برای پرداخت دین نظریه

۱ - کالاهای موضوع اسناد انبارهای عمومی را میتوان بوسیله ظهر نویسی بدیگری منتقل نمود.

وضعیت مدیون مهلت عادلانه یا قرار اقساط بدهد.<sup>۱</sup>

بالاخره آخرین امتیاز برات یا سفته و ظهرنویسان اسناد مزبور اینست که بازداشت وجه برات یا ظهر نویسی نزد مسئول سند بموجب قانون متحدالشکل ژنو ممنوع است، زیرا این عمل موجب اختلال در پرداخت وجه برات در سر رسید و مانع مبادلات سند مزبور میشود، حال آنکه در مطالبات مدنی پس از بازداشت طلب بدهکار مأذون به تأدیه بدهی خود نمیشود مگر پس از رفع بازداشت.

## انواع ظهر نویسی

در مواد ۲۴۵ و ۲۴۷ قانون تجارت مصوب سال ۱۳۱۱ شمسی ظهرنویسی برای انتقال و ظهرنویسی بعنوان وکالت در وصول پیش بینی شده همچنین در ذیل ماده ۲۴۹ همین قانون ظهرنویسی بمنظور ضمانت در برات ذکر گردیده است. بعلاوه بموجب ماده ۳ تصویب نامه قانونی تأسیس انبارهای عمومی مورخ ۱۳۴۰/۱۰/۲ کالاهای سپرده به انبارهای عمومی را میتوان از طریق ظهرنویسی بدیگری منتقل یا مورد وثیقه قرارداد بنا بر این این چهار نوع ظهرنویسی در قانون تجارت پیش بینی شده که شرح هر یک از آنها بترتیب زیر است.

### ۱

## ظهر نویسی به منظور انتقال

اصل در ظهرنویسی انتقال است مگر آنکه خلاف آن در برات قید شده باشد<sup>۲</sup> و تحقق ظهرنویسی ناقل حق، مشروط بشرائطی چند بشرح زیر است:

۱-۱- شرائط تحقق ظهرنویسی

الف - تسلسل

شرط اول آنست که ظهرنویسی تسلسل باشد، یعنی دارنده برات آنرا با تعاقب و ترتیب ایادی ناقله بدست آورده باشد بطوریکه امضای ظهرنویسان بلا انقطاع بوده و برات به ترتیب از ظهرنویس قبلی به ظهرنویس بعدی منتقل شده باشد.

علیهذا مسئول برات مکلف است قبل از پرداخت وجه آن به تسلسل ظهرنویسی مراقبت کند و دارنده برات برای مشروعیت حق خود باید ثابت کند که برات پس از امضاءهای

۱ - راجع بدعاوی چک بی محل در صورت تقاضای متهم دادگاه میتواند با اخذ تأمین تا یکماه برای تأدیه وجه چک به او مهلت بدهد - قانون صدور چک مصوب ۱۳۰۵ تیرماه ۱۳۵۵

۲ - مواد ۲۴۵ و ۲۴۷ قانون تجارت مؤید مراتب مذکور است.

پایه ظهرنویسان بدست او رسیده است .

احراز شرط مزبور به نفع طرفین است زیرا پس از احراز تسلسل امضای ظهرنویسان خریدار مطمئن است که در رأس مدت میتواند وجه براترا وصول کند . همچنین مسئول برات پس از رسیدگی به تسلسل امضاءها میداند که باید وجه براترا به حامل آن پرداخت کند چنانچه برات بحواله کرد شخص معین ظهرنویسی شده باشد رسیدگی به احراز تسلسل امضای ظهرنویسان خالی از اشکالست و در صورتیکه بعضی از ظهرنویسیها سفید امضاء باشد طبق ماده ۱۲ قانون تجارت فرانسه و سایر قوانین مغرب زمین ظهرنویسی که بعد از ظهرنویس سفید امضاء سند را امضاء کرده است مثل اینست که براترا از ظهرنویس سفید امضاء بدست آورده و در نظر مقنن دارنده قانونی برات میباشد . همچنین آخرین حامل برات، که آنرا باسناد ظهرنویس سفید امضاء تفصیل کرده، به نظر مقنن دارنده واقعی و قانونی براتست و لوائیکه بالای امضای سفید امضاء را بنام خود پرنکرده باشد . منظور از تسلسل امضای ظهرنویسان این نیست که مسئول برات در موقع مراجعه حامل آن مکلف باشد به اصالت امضاءها و هویت ظهرنویسان رسیدگی کند<sup>۲</sup> بلکه کافی است مراقبت کند امضاءها قطع نشده باشد یعنی مثلاً یک یا چند امضاء خط خورده نباشد و یا یکی از انتقالات از طریق غیر از ظهرنویسی، بصورت انتقال طلب یا وصیت یا ارث صورت نگرفته باشد، گرچه در مورد مزبور که بطور مثال ذکر شد دارنده برات که مالک حقیقی آنست از امتیازات برات محروم است ولی میتواند با اثبات مالکیت برات طبق مقررات قانون مدنی وجه آنرا از مسئول برات وصول کند<sup>۳</sup> . بالعکس اگر تسلسل امضاءها محرز باشد گیرنده برات مکلف است وجه آنرا در موقع مطالبه به حامل برات بپردازد مگر اینکه نامبرده در موقع تحصیل برات سوهنیت داشته و یا مرتکب تقصیر عمده شده باشد . در اینجا مختصراً بشرح تقصیر عمده میپردازیم .

تقصیر در مفهوم کلی عبارت از انجام دادن عمل یا خودداری از عملی است که موجب زیان غیرشود . این تعریف که مستنبط از قاعده لاضرر است به تعابیر مختلف در مواد ۳۳۴ - ۳۳۵ - ۳۳۲ - ۱۲۱۶ قانون مدنی و مواد ۷ - ۸ - ۱۰ تصویبنامه قانونی انبارهای عمومی و ۱ - ۱۱ - ۱۲ - قانون مسئولیت مدنی و سایر قوانین صریحاً و تلویحاً ذکر شده است و برحسب قصد فاعل و همچنین منشاء و شدت و ضعف تقصیر و عمل، به تقصیر عمدی و غیرعمدی -

۱ - ساده ( ۳۵ ) قانون مدنی .

۲ - زیرا رسیدگی بموارد مزبور متضمن تشریفات طولانی است که سبب تأخیر در نظر مقنن راجع بسرعت معاهدات براتست .

۳ - باید توجه داشت که امضای ظهرنویسان در موارد فوق الذکر از صادرکننده تا دارنده فعلی که تسلسل بوده برای مسئول برات حجت است و حامل برات برحسب مورد فقط باید مالکیت خود را از نظر ارث یا وصیت طبق مقررات قانون مدنی ثابت کند .



تقصیر عقدی و غیر عقدی - تقصیر شخصی و نوعی - تقصیر عمده و ساده تقسیم می‌گردد که بحث آن خارج از این مقال است و مادر اینجا فقط بشرح و بیان تقصیر عمده که مربوط به موضوع مورد بحث است اکتفا میکنیم. تقصیر عمده دارای سختی و عوامل گوناگون است که ضمانت اجرای هر کدام از آنها متفاوت است و بهمین لحاظ در قانون تعریف جامع و مانعی نشده است ولی با اجتماع ارکان مشخصه زیر میتوان گفت که تقصیر عمده تحقیق یافته است.

۱ - ایجاد عمل یا خودداری از عمل که موجب زیان دیگری شود، اعم از آنکه فاعل آن قاصد یا فاقد قصد بوده باشد. بعبارت دیگر شمول تقصیر عمده فعل عمد یا مسامحه است

۲ - تقصیر باید عمده باشد یعنی شدت آن به اندازه‌ای باشد که در عرف گفته شود که فاعل، آن تقصیر را عمداً مرتکب شده است ۲ - در تقصیر عمده خسارت احتمالی است بعکس تقصیر عمدی که خسارت قطعی است ولو آنکه فاعل آنرا نخواسته باشد ۴ - عمل یا خودداری از عمل اعم است از واقعه حقوقی، عدم اجرای الزامات قهری یا تعهدات حقوقی.

امثله ذیل که در کتب حقوقی ذکر شده و عیناً در اینجا نقل میشود تقصیر عمده و مشخصات آنرا روشن میکنند

مثال : ۱ - مسئول برات پس از پرداخت وجه لاشه آنرا از جریان خارج نمیکند. ۲ - کسی براتی را صادر کرده و پرداخت وجه آنرا مشروط به اجازه قبلی میکند معذالک مسئول برات بدون تأیید صادر کننده وجه برات مزبور را میپردازد. ۳ - بدهکار بدون تحقیق و تدقیق در صحت تسلسل امضای ظهرنویسان وجه برات را تأدیه میکند. ۴ - بدهکار مکلف است پس از ارائه و دریافت نسخه‌ای از برات که در روی آن قبولی نوشته شده وجه براترا تأدیه کند ولی مسئول برات قبل از دریافت نسخه مزبور وجه براترا میپردازد - در امثله مشروحه مسئول برات مرتکب تقصیر عمده شده و مکلف است وجه براترا در صورت مطالبه حامل دوباره بپردازد.

در قانون تجارت ایران مقرراتی راجع به تسلسل امضای ظهرنویسان ذکر نشده و مطالب سابق الذکر مستند بقوانین خارجه و مقتبس از نظرات و عقاید دانشمندان علم حقوق است. محاکم ما میتوانند بحکم ماده ۳ قانون آئین دادرسی مدنی مقررات مذکوره را با الهام از اصول کلی حقوقی در حل و فصل دعاوی مورد توجه قرار دهند.

#### ب - شرط دوم رضایت

قبلاً اشاره شد چون ظهرنویسی سبوق به عمل حقوقی است علیهذا طرفین معامله یعنی ظهرنویس و منتقل‌الیه باید دارای شرائط اساسی برای صحت معامله مندرج در ماده ۱۹۰ قانون مدنی و مواد ما بعد آن منجمله شرط « رضا » باشند. بنابراین رضای حاصل در نتیجه اشتباه و اکراه موجب عدم نفوذ ظهرنویسی است ( ماده ۱۹۹ قانون ) همچنین به سبب تدلیس که در ماده ۴۳۸ قانون مدنی بر مبنای قاعده لاضرر پیش‌بینی شده، ظهرنویس یا

منتقل الیه حسب مورد حق فسخ معامله را خواهند داشت، اعم از اینکه تدلیس از طرف یکی از طرفین معامله یا از جانب شخص ثالث واقع شده باشد ولی تدلیس در بیشتر از قوانین اروپائی وقتی مؤثر است که منحصرأً یکی از طرفین معامله فاعل آن باشد و کسیکه در معرض اشتباه تدلیس یا اکراه قرار گرفته همانطوریکه قبلاً در مبحث عدم تأثیر ایرادات گفته شد، حق ندارد بموارد مزبور علیه حامل برات استناد کند مگر آنکه حامل، سند را با سوء نیت تحصیل کرده باشد.

### ج - شرط سوم اهلیت

همانطوریکه قبلاً گفتیم ظهرنویس مانند صادر کننده برات باید اهلیت داشته یعنی بالغ و عاقل و رشید باشد.

بنابراین ظهرنویسی صغیر و مجنون بعلت حجر باطل است.

امور مالی این قبیل اشخاص منجمله نقل و انتقالات بروات طبق ماده ۱۲۱۷ قانون مدنی، حسب مورد عهده ولی یا قیم است ولی غیر رشید میتواند با اجازه ولی یا قیم رأساً بروات خود را ظهرنویسی کند (ماده ۱۲۱۴ قانون مدنی)، سفیه، مفلس و طفل صغیر ممیز نیز مجبور هستند و از تصرفات در اموال خود منع شده‌اند (ماده ۱۲۱۲ قانون مدنی) ولی میتوانند قبول و کالت اشخاص ثالث را کرده و بروات آنان را در حدود اختیارات و کیل ظهرنویسی کنند زیرا منظر مقتن از منع تصرفات این قبیل مجبورین در اموال صیانت اموال مزبور و اجتناب از تضییع و تفریط است و چون در ظهرنویسی مورد بحث بیم اتلاف یا تضییع در اموال سفیه، مفلس و طفل صغیر ممیز نمیرود مقتن در ماده ۶۸۲ قانون مدنی مجبوریت و کیل را در موارد مذکور مانع ظهرنویس ندانسته است.

همچنین تاجر ورشکسته بموجب ماده ۴۱۸ قانون تجارت فاقد اهلیت بوده و از تاریخ صدور حکم ورشکستگی از مداخله در تمام اموال خود، حتی آنچه ممکن است در مدت ورشکستگی عاید او گردد، منع شده است و بنابراین از تاریخ مذکور ورشکسته نمیتواند برات، سفته، چک و یا قبض رسید انبارهای عمومی خود را ظهرنویسی کند. لکن ظهرنویسی تاجر متوقف با توجه بمندرجات ماده ۴۲۳ همین قانون<sup>۱</sup> بلامانع است بنا بر آنچه گفته شد

۱ - ماده ۴۲۳ قانون تجارت - «هرگاه تاجر بعد از توقف معاملات ذیل را بنماید باطل و بلااثر خواهد بود:

- ۱- هر صلح صحایاتی یا هبه و بطور کلی هر نقل و انتقال بلاعوض اعم از اینکه راجع به منقول یا غیر منقول باشد.
  - ۲- تأدیه هر قرض از حال یا مؤجل بهر وسیله که بعمل آمده باشد.
  - ۳- هر معامله‌ای که مالی از اموال منقول یا غیر منقول تاجر را مقید نماید و بضرر طلبکار تمام شود.
- چون ظهرنویسی یک نوع خرید و فروش سال بوده و مشمول هیچیک از موارد مذکور در سده فوق نمیباند علیهذا ظهرنویسی برات سفته و غیره مجاز است.

بعلت فقد اهلیت از تاریخ صدور حکم ورشکستگی تاجر ورشکسته از ظهرنویسی اسناد فوق‌الذکر مستوع و به استناد ماده ۱۸۰ قانون تجارت این قبیل امور به مدیر تصفیه و گذار شده است.

نقل و انتقالات برات اعم از صدور، ظهرنویسی، قبولی، تضمین یا پرداخت آن و همچنین معاملات سفته، چک یا قبض رسید انبارهای عمومی متعلق به اشخاص حقوقی حسب مورد با رئیس هیئت‌مدیره، هیئت‌مدیره، مدیرعامل و یا مدیر و مدیران تصفیه است که در حدود اختیارات قانونی یا اختیاراتیکه از طرف مجامع قانونی به آن داده شده می‌تواند به نقل و انتقال این قبیل اسناد اقدام کنند و هرگاه از حدود اختیارات مفوضه تجاوز کنند رأساً مسئول خواهند بود.

مقررات راجع به اهلیت ظهرنویس که مورد بحث قرار گرفت شامل منتقل‌الیه یا حامل برات نیز میشود.

منتقل‌الیه ممکن است یک یا چند نفر باشند. چنانچه برات متعلق بچند نفر باشد فقط همگی آنان مجتمعاً و متفقاً میتوانند وجه سند را از مسئول برات مطالبه و وصول کنند زیرا مالکیت برات مشاع است و بنابراین هیچکدام از صاحبان حق مشاع به تنهایی حق ندارد نه تمام وجه برات و نه سهم خود را دریافت کند. ولی اگر حق وصول وجه برات منفرداً به احد از منتقل‌الیه‌ها داده شده باشد در اینصورت صاحب حق میتواند رأساً و بدون اجازه دیگران قبولی یا تضمین وجه را قبل از انقضای مدت و یا تأدیه وجه آنرا در رأس مدت از مسئول برات مطالبه کند. بالاخره منتقل‌الیه‌ها ممکن است شخصی ثالث یا یکی از ظهرنویسان قبلی (صادرکننده برات، احد از ظهرنویسان) و یا مسئول برات باشد. به عقیده عده‌ای از دانشمندان، ظهرنویسی به نفع ظهرنویسان قبلی یا مسئول پرداخت وجه برات موجب مالکیت مافی‌الذمه و سقوط دین و بالتبع نتیجه خارج شدن برات از جریان معامله میشود ولی طبق نظر اکثریت علمای حقوق و به استناد بند ۳ ماده ۱۱ قانون متحدالشکل ژنو چون منشاء طلب حاصل از برات خود برات معین شده است نه ظهرنویسان، بنابراین مخلوق یعنی طلب به اتکای خالق خود یعنی برات در زمان حیات یعنی تا قبل از انقضای مهلت مقرر در سند به زندگانی خود ادامه میدهد. بنا به مراتب صادرکننده، ظهرنویسان یا گیرنده برات برای هر چند مرتبه که بخواهند میتوانند آنرا به نفع اشخاص ثالث یا ظهرنویسان قبلی و یا مسئول برات جبرو کنند.

مقررات مورد بحث موجب توسعه و تسهیل اعتبارات هستند باسناد تجارتمی میشود. مثلاً بانکها بااستناد این مقررات مجاز هستند براتیاییکه رأساً نزول کرده‌اند بنفع بانکهای دیگر (ظهرنویسان قبلی) یا اشخاص ثالث ظهرنویسی کرده و یا آنها را همانطوریکه بعداً خواهیم دید گرو بگذارند.

ظهرنویسی بفتح ظهرنویسان قبلی، صادرکننده و یا مسئول پرداخت برات که در قانون متحدالشکل ژنو پیش بینی شده و بعداً در بسیاری از قوانین اروپائی و قوانین سایر کشورهای جهان منعکس گردیده است از نظر تدوین و تنظیم قانون دارای دو نقص مهم است.

نقص اول راجع به آثارظهرنویسی بفتح ظهرنویسان قبلی با توجه به مسئولیت تضامنی آنان است، زیرا احکام ضمانت تضامنی که بحاصل برات اجازه میدهد برای دریافت وجه برات به تمام ظهرنویسان مراجعه کند در ظهرنویسی مجدد به نفع ظهرنویسانیکه قبلاً همان برات را جبرو کرده اند بنحو مؤثری تغییر میکند.

نقص دوم اینست که مقنن تعیین نکرده است ظرف چه مدتی ظهرنویس قبلی یا براتگیر حق دارد مجدداً برات را ظهرنویسی کند. مقررات زیر بمنظور رفع نقص موارد فوق الذکر از طرف عده ای از دانشمندان پیشنهاد شده است.

۱- صادرکننده برات که مجدداً همان برات بسود او ظهرنویسی شده است برای دریافت وجه برات میتواند به بدهکار اصلی که برات را قبول کرده و به ناقل برات که مستقیماً آنرا بفتح او ظهرنویسی نموده است مراجعه کند و از حق مراجعه بسایر ظهرنویسان محروم است چون در مقابل تمامی آنان مسئولیت تضامنی دارد. حال اگر صادرکننده، موصوف براترا از طریق ظهرنویسی به کس دیگری منتقل کند منتقل الیه حق دارد بتمام ظهرنویسان بلااستثناء (چه کسانی که قبل از ظهرنویسی مجدد صادر کننده براترا انضاء کرده و چه ظهرنویسانیکه پس از انتقال مجدد آنرا پشت نویسی کرده اند) به استناد ماده ۲۴۹ قانون تجارت لدی الاقتضا مراجعه کند.

۲- هرگاه برات بسود یکی از ظهرنویسان قبلی ظهرنویسی شده باشد، ظهرنویس سزبور در صورت عدم تأدیه وجه برات فقط میتواند به ظهرنویسانیکه براترا قبل از ظهرنویسی اولش پشت نویسی کرده اند مراجعه کند و از حق مراجعه به ظهرنویسان دیگر بعلت مسئولیت تضامنی که در مقابل آنان دارد ممتنع است، حال اگر ظهرنویس مورد بحث برای مرتبه اول براترا بنام شخص ثالثی ظهرنویسی کند این شخص مجاز است بتمام ظهرنویسان برای مطالبه وجه برات مراجعه کند.

۳- چنانچه برات بفتح بدهکار اصلی که آنرا قبول کرده ظهرنویسی شده باشد و ناسبرده در سررسید حامل برات باشد نمیتواند به هیچکدام از ظهرنویسان حتی صادر کننده برات برای وصول وجه آن مراجعه کند زیرا طلب حاصل برات در انقضای مدت بعلت مالکیت فی الذمه ساقط میشود. حال اگر بدهکار اصلی قبل از انقضای مدت براترا بشخص ثالثی ظهرنویسی و منتقل کند منتقل الیه حق دارد در رأس مدت برای وصول وجه برات به بدهکار برات و بسایر ظهرنویسان بلااستثناء مراجعه کند.

۴ - حاملین برات بغیر از بدهکاری که برات را قبول کرده میتوانند آنها بعد از سررسید و حتی بعد از اعتراض بعلت عدم تأدیه ظهنویسی کنند . بدیهی است که در این قبیل موارد منتقل الیه فقط طبق مقررات قانون مدنی میتواند به بدهکار اصلی برات مراجعه کند .  
تحقق ظهنویسی بمنظور انتقال برات مشروط به شرایط دیگری از قبیل مشروعیت جهت ظهنویسی و موضوع معین نیز میباشد ، چون شرایط مذکوره مشمول مقررات قانون مدنی است به لحاظ اجتناب از اطباب کلام از بحث آنها در اینجا خودداری میشود .

#### ۱-۲- شرایط شکلی ظهنویسی برای انتقال

شرائطی که در بالا ذکر شد شرایط اساسی بمنظور انتقال نامیده میشود . اینکه به شرایط صوری یا شکلی ظهنویسی سپرداریم . همانطوریکه قبلاً گفته شد انتقال پس از امضای ناقل در پشت برات یا سفته یا چک واقع میشود و ظهنویس مختار است اسناد مزبور را در وجه شخص معین ، سفید امضاء و یا در وجه حامل ظهنویسی کند . ذیلاً خلاصه‌ای از مشخصات و احکام ظهنویسان موصوف ذکر میشود .

#### الف - ظهنویسی در وجه شخص معین

این نوع ظهنویسی همانطور که اسم آن حاکی است وقتی تحقق میپذیرد که به اسم شخص معین ( نام و نام خانوادگی ) صادر شده باشد و با نوشتن عباراتی در پشت برات صورت خارجی پیدا میکند ولی بموجب قوانین اروپائی و قانون متحدالشکل ژنو انتقال برات با نوشتن عبارات و امضای روی سند هم بلا مانع است .

طبق ماده ۲۴۶ قانون تجارت ظهنویسی در وجه شخص و همچنین سایر انواع ظهنویسی باید معضی بامضای ظهنویس باشد علیهذا امضای چاپی ، یا مهر ، یا فتوکیکی امضای ظهنویس برای وقوع ظهنویسی کافی نیست .

#### ب - ظهنویسی سفید امضاء

ظهنویسی سفید امضاء یا با امضای تنها ظهنویس و یا با نوشتن عبارت حاکی از ظهن نویسی که جای نام منتقل الیه در آن بازگذاشته شده صورت میگیرد مثل اینکه در پشت برات نوشته شود ( مبلغ ظهر برات در وجه ..... پرداخت شود - محل امضاء - )  
ظهنویسی سفید امضاء به منتقل الیه اختیار میدهد که براترا بطرق زیر بدیگری منتقل کند .  
منتقل الیه بالای امضاء ( در صورتیکه سند با امضای تنها منتقل شده باشد ) یا جای اسم ذیتفع را که در عبارت ظهنویسی خالی گذاشته شده بنام خود و یا بنام دیگری پرمیکند و یا آنکه برات را بشکل ظهنویسی سفید امضاء مجدداً بدیگری واگذار میکند و یا بالاخره براترا بدون آنکه ظهنویسی کرده باشد عیناً از طریق قبض و اقباض بخریداران منتقل

میکند. چنانچه دارنده برات جای اسم ذینفع را که در ظهرنویسی خالی گذارده شده با نام خود تکمیل کند در اینصورت نمیتواند آنرا بدیگری واگذار کند مگر آنکه آنرا مجدداً امضاء کند.

هرگاه دارنده برات جای خالی در عبارت ظهریسی را بنام دیگری پر کرده و آنرا بدیگری منتقل کند مثل اینست که منتقل‌الیه براترا از ظهرنویس سفید امضاء خریداری کرده نه از نقل مستقیم خود، بنابراین کسیکه باین وسیله براترا بدیگری واگذار نموده چون از امضاء کردن آن خودداری کرده در ردیف ضامین برات محسوب نمیشود و هیچگونه مسئولیتی در مقابل ظهرنویسان آن ندارد.

ممکن است دارنده برات سفید امضاء بدون اینکه جای خالی را پر کند آنرا بدون امضاء از طریق قبض و اقباض بدیگری واگذار کند. عده‌ای معتقدند که این نوع انتقال چون فاقد امضای ناقل میباشد بنابراین مشمول احکام ظهرنویس نمیشود.

بدیهی است دارنده براتی که آنرا بدون امضاء منتقل کرده ضامن نبوده و هیچگونه مسئولیتی در مقابل ظهرنویسان و ذوی الحقوق برات نخواهد داشت.

ولی آنچه در اینجا قابل بحث است موضوع تأثیر یا عدم تأثیر ایرادات در مقابل دارنده برات سفید امضائی است که آنرا از طریق معاطات تحصیل کرده است. بعبارت دیگر میخواهیم بدانیم که مسئول برات در موقع مطالبه وجه آن از طرف حامل برات، که بصورت سفید امضاء ظهرنویسی شده، آیا میتواند بر ایراداتیکه به ناقل قبلی چنین براتی داشته استناد کند یا خیر؟

به نظر بعضی از دانشمندان چون معامله معاطاتی براتی که از طریق سفید امضاء ظهرنویسی شده در حکم انتقال از طریق ظهرنویسی معمولی است، علیهذا بدهکار چنین براتی هنگام مطالبه وجه آن از طرف حامل برات نمیتواند به ایرادات فوق‌الذکر استناد کند.

بعقیده نگارنده چون انتقال برات با ظهرنویسی سفید امضاء بدون نوشتن نام منتقل‌الیه و بدون امضاء (یعنی انتقال دست بدست) بعمل آمده است انتقال طلب عادی بوده و بموجب مقررات ماده ۳۰ قانون مدنی مالکیت دارنده آن محرز است، ولی احکام ظهرنویسی با استناد ماده ۲۴۰ قانون تجارت وقتی جاری است که برات مزبور در موقع انتقال ظهرنویسی و یا اقلاً امضاء شده باشد، تا تسلسل امضای ظهرنویسان مسلم باشد. بنا به مراتب بدهکار براتی که برای وصول وجه آن در محاکم صالحه تحت تعقیب قرار گرفته میتواند طبق مقررات قانون مدنی به همان ایراداتیکه میتواند علیه ناقل چنین براتی استناد کند بطرفیت حامل مزبور نیز استناد نماید، مشروط بر اینکه هویت و مشخصات ناقل براترا ثابت کند.

## ح ظهرنویسی در وجه حامل

صدور برات در وجه حامل در اغلب قوانین پیش‌بینی نشده و بهمین جهت ظهرنویسی در وجه حامل نیز تا نیمه دوم قرن بیستم قانونی تلقی نمیشد ولی بعداً قانونگذاران برخی از کشورها بتدریج ظهرنویسی در وجه حامل را ولواینکه برات صریحاً در وجه حامل صادر نشده باشد، قابل انتقال دانستند.

بند ۷ ماده ۲۲۳ قانون تجارت ایران فقط صدور برات بنام شخص معین را اجازه داده است، بنابراین براتیکه در وجه حامل صادر شده باشد حسب سدرجات ماده ۲۲۴ همان قانون مشمول مقررات راجعه بروات تجارتي نخواهد بود.

لکن با توجه باطلاقات و عمومیات ماده ۲۴۵ قانون تجارت که ناظر بر انتقال برات بوسیله ظهرنویسی است و همچنین ماده ۲۴۷ همین قانون که میگوید ظهرنویسی حاکی از انتقال برات است، مخصوصاً با امعان نظر بمقررات ماده ۲۴۶ قانون مزبور که بموجب آن «... ممکن است در ظهرنویسی تاریخ و اسم کسیکه برات به او انتقال داده میشود قید گردد» نتیجه گرفته میشود که مقنن با ذکر عبارت «ممکن است» در ماده سابق‌الذکر ظهرنویسی در وجه حامل را، ولواینکه برات در وجه حامل صادر نشده باشد، اجازه داده است. بدیهی است دارنده برات در وجه حامل میتواند چنین براتی را بنام شخص معینی یا سفید امضاء و یا از طریق قبض و اقباض به دیگری واگذار کند، ولی همانطوریکه نظر داده شده، حق ندارد در ظهرنویسی عبارت در وجه حامل را خط زده و بجای آن نام خود یا شخص ثالثی را قید کند زیرا با این عمل قصد و نظر ظهرنویس را که با ذکر «عبارت در وجه حامل» خواسته است مانع ظهرنویسی در وجه شخص معین بشود رعایت نکرده است.

دارنده چنین براتی ولواینکه این دارنده کسیکه برات بنام او ظهرنویسی شده نباشد، حامل قانونی برات شناخته شده و میتواند در انقضای مدت وجه آنرا از مسئول برات مطالبه کند بشرط آنکه تسلسل امضای یکایک ظهرنویسان را ثابت کند.

باید در نظر داشت که در موقع اثبات تسلسل امضاء، امضای ظهرنویسی که عبارت ظهرنویس را از «در وجه حامل پرداخت شود» عبارت «در وجه شخص معین پرداخت شود» تغییر داده و همچنین امضای ظهرنویس قبل از او باطل نبوده و مانند امضای سایر ظهرنویسان صحیح و نافذ است.

## ۳-۱- شرایط اختیاری ظهرنویسی برای انتقال

ذکر شروط ذیل در ظهرنویسی اختیاری است:

## الف- تاریخ ظهرنویسی

همانطوریکه قبلاً گفته شد با استناد مواد ۲۴۶ و ۳۰۹ و قسمت اخیر ماده ۳۱۲ قانون

تجارت برات، فته طلب، چک بصرف امضاء در ظهر سند ممکن است بدیگری منتقل شوند معذالک ذکر تاریخ ظهرنویسی در اسناد مزبور زیاد دیده میشود زیرا با ذکر تاریخ میتوان اهلیت ظهرنویس را تشخیص داد، مثلاً حجر یا صغر ظهرنویس که در اعتبار برات ساده مؤثر است بوسیله ذکر تاریخ در موقع ظهرنویسی تشخیص داده میشود، بعلاوه تاجر ورشکسته‌ایکه تاریخ ظهرنویسی را قبل از تاریخ حکم ورشکستگی ذکر کند علاوه بر آنکه این عمل در ردیف ایرادات مؤثره بوده و از طرف بدهکار قابل دفاع است مقتن در ماده ۲۴۸ قانون تجارت، ظهرنویسی را که تاریخ مقدسی در ظهرنویسی ذکر کند مزور شناخته و طبق مقررات ماده ۹۷ قانون مجازات عمومی (سابق) قابل تعقیب و مجازات دانسته است. در مورد قبض انبارهای عمومی همانطوریکه میدانیم این قبیل قبوض از دو قسمت تشکیل شده و آنها را میتوان توأم یا جداگانه از طریق ظهرنویسی منتقل نمود. در صورت ظهرنویسی برگ وثیقه کالای مربوط به آن در گروه شخصی که ظهر نویسی بنوع او شده، قرار خواهد گرفت و در صورت ظهرنویسی قبض رسید مالکیت کالا به انتقال گیرنده منتقل خواهد شد (ماده ۶ تصویبنامه قانونی تأسیس انبارهای عمومی با اصلاحات بعدی مورخ ۱۳۴۰/۱۰/۳ شمسی) در موردیکه قبض رسید و برگ وثیقه انبار با هم به دیگری منتقل شود، ذکر تاریخ انتقال در ظهرنویسی اجباریست و اگر برگ وثیقه بدون قبض رسید انتقال داده شود علاوه بر ذکر تاریخ، مبلغ بدهی، سررسید بدهی و هویت و شغل و اقامتگاه انتقال گیرنده باید در پشت برگ، وثیقه قید شود (ماده ۱۳ آئیننامه انبارهای عمومی).

چنانکه ملاحظه میشود ذکر تاریخ که در موقع ظهرنویسی برات، فته، چک، اختیاری است، در موقع ظهرنویسی قبض رسید و برگ وثیقه انبارهای عمومی اجباری است.

#### ب - جهت ظهر نویسی

از جمله شرائط اختیاری قید جهت ظهرنویسی در براتست که در پاره‌ای مواقع تصریح آن در ظهرنویسی بعلت عدم مشروعیت جهت، موجب بطلان تعهد ظهرنویس میشود (ماده ۲۱۷ قانون مدنی) مثل اینکه کسی بمنظور واریز بدهی قمار که به دیگری داشته براتی را (با ذکر بمنظور واریز بدهی قمار) ظهرنویسی و امضاء کرده باشد، بعلاوه جهت موصوف از ایرادات مؤثر است که مسئول برات در مقابل دارندگان برات بلااستثنا میتواند به آن استناد کند.

#### ج - شرط بدون ضمانت

ظهرنویس در موقع ظهرنویسی عبارت «بدون تضمین» را در بالای امضای خود قید میکند با ذکر این عبارت که اختیاری است ظهر نویس مزبور با ظهرنویسان دیگر برای پرداخت وجه برات مسئولیت تضامنی نخواهد داشت.

شرط موصوف فقط سلب مسئولیت ظهرنویس را نسبت به اعتبار حال و آینده ظهرنویسان



میکنند ولی مسئولیت ظهرنویس مزبور نسبت به پرداخت وجه برات کماکان باقی است.

#### د - شرط مراجعه به شخص ثالث

وقتی ظهرنویس احتمال میدهد که مسئول برات در موقع مراجعه حامل آن از پرداخت وجه برات خودداری کند بمنظور حفظ اعتبار خود و اجتناب از مراجعه حامل برات در بالای امضای خود اسم شخصی را مینویسد که دارنده برات در صورت عدم پرداخت وجه از طرف مسئول برات به آن شخص مراجعه کند.

#### ه - شرط برگشت بدون خرج

با ذکر این عبارت در بالای امضای خود ظهرنویس حامل برات را در صورت استکاف بدهکار از پرداخت وجه برات از تنظیم اعتراض معاف میکند.

#### و - شرط منع ظهرنویسی مجدد

شرط مزبور فقط تعهد ظهرنویسی را محدود میکند که این شرط را کرده است باین معنی که او را از ضمانت کسانی که برات بعداً بنام آنان ظهر نویسی میشود آزاد میکند، بنابراین شرط منع ظهرنویسی مجدد بطور کلی، مانع ظهرنویسی برات نبوده و موجب تبدیل سند به برات صادر (با شرط عدم حواله کرد) نمیشود بلکه با ظهرنویسی مجدد برات بجزریان می افتد، مگر آنکه کسانی که بعد از درج شرط منع ظهرنویسی مجدد آنرا ظهرنویسی کرده و همچنین ظهرنویسانی که قبل از ظهرنویسی که پشت نویسی مجدد را منع کرده است برات را ظهرنویسی نموده اند در مقابل حامل برات متضامناً مسئول هستند، چنانکه سایر ظهرنویسان هم نایل باشند از این امتیاز یعنی سلب مسئولیت تضامنی برخوردار شوند باید هر کدام از آنان در موقع ظهرنویسی در بالای امضای خود شرط مورد بحث را قید کنند.

#### ۴-۱- ظهرنویسهای ممنوع

الفصلی از ظهرنویسهای ممنوع ظهرنویسی مشروط است که بموجب قوانین ایران - فرانسه - آلمان و بعضی از کشورهای دیگر باطل و مبطل ظهرنویسی است. منع ظهر نویسی مشروط در قانون ایران برای آنست که ظهرنویسی موجب ضمان است و ضمانت به موجب ماده ۲۹۹ قانون مدنی باید منجز بوده و معلق نباشد.

قانون متحدالشکل ژنو نیز ظهر نویسی مشروط را منع کرده ولی ضمانت اجرای آنرا فقط بطلان شرط قرارداد و بطلان ظهرنویسی در آن پیش بینی نشده است، علیهذا طبق قانون مزبور که از طرف گروه زیادی از کشورهای اروپائی و آسیائی قبول شده است، ظهرنویسی مشروط موجب قطع تسلسل امضای ظهرنویسان نمیشود و دارنده برات میتواند وجه آنرا در رأس مدت از مسئول برات مطالبه کند ولی باید دانست که شرط مزبور در روابط بین ظهر نویسی شرط کننده و منتقل الیه ( مشروط علیه ) بقوت خود باقی است و در صورتیکه طبق شرط عمل نشود ذینفع میتواند بر حسب مورد و با توجه بمقررات ماده ۲۳۵ قانون مدنی و مواد ذیل

آن طبق تعهد مشروط از حقوق خود دفاع کند .

### ب - ظهرنویسی قسمتی از برات

ظهر نویسی قسمتی از برات که در قانون ایران پیش بینی نشده انواع مختلف دارد .  
نوع اول - که صحیح است وقتی تحقق پیدا میکند که ظهرنویس یک قسمت از وجه برات را دریافت کرده و برای بقیه آن ظهرنویسی میکند .

نوع دوم - در صورتی واقع میشود که ظهرنویس و منتقل الیه توافق میکنند که قسمتی از وجه برات بفتح ظهر نویس و قسمتی دیگر به سود منتقل الیه وصول شود، در اینصورت ظهرنویسی در حقیقت برای تمام مبلغ صورت گرفته قسمتی از ظهرنویسی ارزش ظهرنویسی به عنوان وکالت را دارد. این نوع ظهرنویسی نیز مانع قانونی ندارد .<sup>۱</sup>

نوع سوم - در این نوع ظهرنویسی که مورد نظر ما است ظهرنویس فقط قسمتی از وجه برات را ظهرنویسی میکند . با توجه به اینکه در این ظهر نویسی منتقل الیه بعلت در دست نداشتن ورقه برات با عدم پرداخت طلب خود مواجه میشود بعلاوه نقل و انتقالات برات نیز متوقف میشود این نوع ظهر نویسی مورد قبول عده زیادی از دانشمندان واقع نشده و در قانون متحدالشکل ژنو ظهرنویسی مزبور باطل اعلام شده است .

### ج - خط خوردگی ظهرنویسی

بموجب ماده ۱۶ قانون متحدالشکل ژنو ظهرنویسی خط خورده مثل اینست که نوشته نشده باشد. مقررات این ماده بطوریکه ملاحظه میشود صریح و روشن نیست زیرا ظاهر عبارت ماده مزبور وضع حامل برات را مشخص نمیکند و معلوم نیست نامبرده پس از خط خوردگی یک، یا چند ظهرنویسی بچه ترتیب میتواند وجه برات را وصول کند .

بنابراین برای تعبیر مقررات ماده مزبور تشخیص موارد زیر لازم بنظر میرسد .

اول : منظور از خط خوردگی مذکور در ماده مورد بحث تراشیدگی یا خط زدن امضای ظهرنویس است . بنابراین بحث در خط خوردگی وقتی مصداق پیدا میکند که نام منتقل الیه در ظهر برات قید شده باشد .

دوم : مسئول برات چنانکه قبلاً گفته شد قبل از پرداخت وجه برات باید نسبت به تسلسل امضای ظهرنویسان اطمینان حاصل کند بنابراین در گاه یک یا چند امضا از ظهرنویسان خط خورده باشد مسئول برات مکلف است از پرداخت وجه برات خودداری کند و الا در مقابل زیان دیده ضامن است .

سوم : با توجه به مطالب فوق الذکر که بعنوان مقدمه ذکر شد میخواهیم بدانیم حامل براتیکه یک یا چند امضای سند درج در ظهر برات خط خورده ، چگونه میتواند طلب خود یعنی وجه برات را وصول کند .

در صورتیکه یکی از امضاها بشرح فوق تراشیده یا خط خورده باشد، حامل برات که از مراجعه به مسئول برات بعلمت عدم تسلسل امضاها محروم شده حق دارد به ظهنویس ما قبل یعنی ناقل خود و همچنین هر ظهر نویسی به ظهنویس پیش از خود برای مطالبه وجه برات مراجعه کند تا برسد به ظهر نویسی که امضای او خط خورده است. کسیکه امضای او خط خورده موظف است وجه براترا بحامل آن بپردازد زیرا همانطوریکه گفته‌اند با توجه به اینکه بعد از امضای خط خورده ظهر نویسیهای دیگری نیز در برات بعمل آمده است بنابراین خط خوردگی امضای مورد بحث (اعم از اینکه از طرف کسیکه امضای او خط خورده یا از طرف شخص ثالثی صورت گرفته باشد) بعد از انتقال برات با رضایت صاحب امضای آن (صاحب امضای خط خورده) واقع شده است، چه در غیر اینصورت هیچکس براتی را که امضای ناقل آن یا امضاهای قبل از آن خط خورده باشد خریداری یا تنزیل نمیکند بعلاوه کسانیکه برات مورد بحث به آنان منتقل شده و آنرا قبل از خط خوردگی امضای موصوف امضاء کرده‌اند. باستناد امضائی بوده است که بعداً خط خورده است. بنابه مراتب ونظربه ضرورت سرعت معاملات اسناد تجاری باید قبول کرد که خط خوردگی امضاء مؤثر در مقام نیست و عبارت دیگر خط خوردگی امضاء در مقابل حامل برات از ایرادات غیر قابل استناد است. چهارم: ضمناً باید توجه داشت خود خوردگی سفید امضاء موجب قطع تسلسل امضای ظهن نویسان نیست، زیرا طبق مقررات قانون متحدالشکل ژنو حامل برات در صورت خط خوردگی سفید امضاء در حکم کسی است که برات را از ظهن نویسی سابق قبل بدست آورده است. پنجم: ممکن است کسیکه براترا بفتح دیگری امضاء کرده بعداً پشیمان شده امضای مزبور را خط زده و رأساً همان براترا بفتح شخص ثالثی ظهن نویسی کند، در اینصورت امضای خط خورده بمنزله اینست که نوشته نشده باشد و باین ترتیب تسلسل امضاها محفوظ میماند.

#### ۱-۵- احکام ظهر نویسی برای انتقال

احکام ظهن نویسی در قانون متحدالشکل ژنو و به تبعیت از این قانون در قوانین کشورهای اروپائی بتفصیل ذکر شده است. مال جامع علوم انسانی. در مواد ۲۴۷ و ۲۴۹ و پاره‌ای سواد دیگر قانون تجارت ایران نیز اشاراتی به احکام ظهن نویسی شده که بموقع از آن بحث خواهد شد.

همانطوریکه قبلاً نیز گفتیم اصل در ظهن نویسی انتقال است و منظور از آن انتقال تمام حقوق ناشیه از برات و ملحقات آن میباشد. یکی دیگر از احکام ظهن نویسی برای انتقال ضمانت تضامنی ظهن نویسان و بالاخره اثر آخر ظهن نویسی برای انتقال غیر قابل استناد بودن ایرادات است که یکایک احکام مزبور ذیلاً شرح داده میشود.

#### الف - انتقال تمام حقوق ناشیه از برات و ملحقات آن

ظهن نویسی چنانکه قبلاً تعریف شد انتقال طلب نیست بلکه بصراحت ماده ۲۴۷ قانون

تجارت حاکی از انتقال براتست به این معنی که مورد انتقال براتست و طلب یکی از عناصر متشکله محتوای آنست، علیهذا منتقل الیه علاوه بر اصل طلب میتواند با استناد ماده ۲۴۵ قانون تجارت براترا بوسیله ظهرنویسی بدیگری منتقل کرده و یا به تجویز ماده ۲۷۴ همین قانون برای قبولی برات به بدهکار مراجعه کند. منظور از بدهکار حسب مورد محال علیه است که براترا قبول کرده، صادرکننده برات و همچنین هر یک از ظهرنویسان و نیز ضامن برات است (قسمت اخیر ماده ۲۴۹ قانون تجارت).

علاوه بر حقوق سابق الذکر ملحقات مورد انتقال مانند وثایق عینی و اعتبارات و وثایق شخصی نیز ضمن ظهرنویسی بحامل برات منتقل میشود. انتقال ملحقات برات صریحاً در قوانین اروپائی و قانون متحدالشکل ژنو ذکر شده است ولی بعقیده دانشمندان حقوق مفهوم عبارت تمام حقوق ناشیه از برات که در قوانین مغرب زمین پیش‌بینی شده و مورد تأیید رویه قضائی فرانسه قرار گرفته علاوه بر حقوق وابسته به ذات و طبیعت برات (ظهرنویسی، مراجعه بضامن و غیره) شامل تضمینات و مزایائی نیز میشود که طرفین معامله در موقع تنظیم و صدور برات برای مالکیت و تصرف برات در نظر گرفته‌اند. <sup>۱</sup> بنظر میرسد که این موضوع تلویحاً در قانون تجارت ایران با ذکر عبارت «ظهر نویسی حاکی از انتقال برات است» در ماده ۲۴۷ پیش‌بینی شده زیرا عمومات و اطلاقات این ماده سبب انتقال تمام ملحقاتی است که در موقع انعقاد معامله در نظر گرفته شده است امثله ذیل برای روشن شدن مطلب ذکر میشود.

۱- احمد ساکن اصفهان چهارده عدل قماش به تقی ساکن تهران میفروشد و برای وصول بهای آن براتی بمبلغ سه میلیون ریال سه ماهه بعهده او صادر کرده و بوسیله بانک ملی ایران (محال له) تنزیل میکند. به ضمیمه این برات اسناد و مدارک حمل و تحویل جنس در مقصد و بیمه برای بانک فرستاده میشود. حال اگر تقی (خریدار) بموقع وجه براترا نپردازد بانک حق دارد با در دست داشتن مدارک، مزبور قماشها را که در حقیقت وثیقه دین است فروخته ولدی الاقتصاء از بیمه آن نیز استفاده کند.

۲- صادرکننده براتی بمنظور جلب اعتماد خریداران و تضمین پرداخت وجه برات در رأس مدت قسمتی از اموال غیرمنقول خود را بمنظور وثیقه به محال له واگذار میکند، این وثیقه نیز پس از استقرار خود بخود بسایر ظهرنویسان منتقل میشود زیرا همانطوریکه در بالا گفتیم مورد انتقال بصراحت ماده ۲۴۷ قانون تجارت، برات است بنابراین ظهرنویسان که در حقیقت قائم‌مقام قانونی محال له هستند حق دارند در صورت عدم پرداخت وجه برات از وثایق آن که جمعاً موضوع براترا تشکیل میدهند استفاده کنند.

۳- حامل برات حتی میتواند حقوق خود را از وثایقی که منحصرأ برای تضمین مبلغ

برات مستقر نشده لدی الاقتضاء استیفاء کنند. مثلاً اگر مشتری برای تضمین افتتاح اعتبار وثیقه‌ای به بانک بدهد و بعداً براساس این اعتبار براتی بعهده بانک صادر کند و این بانک همان برات را نزد بانک دیگری تنزیل کند، بانک اخیر در صورت عدم پرداخت وجه برات در رأس مدت میتواند در حدود مبلغ برات پس از انجام تشریفات قانونی ( اقامه دعوی - تأمین مدعی به و صدور حکم قطعی ) از وثیقه مورد بحث بهره‌مند شود<sup>۱</sup>

### ب - ضمانت تضامنی ظهرنویسان

بموجب بند اول ماده ۴۶۹ قانون تجارت « برات دهنده، کسیکه برات را قبول کرده و ظهرنویسها در مقابل دارنده برات مسئولیت تضامنی دارند، دارنده برات در صورت عدم تأدیه و اعتراض میتواند بهر کدام از آنان که بخواهد منفرداً یا بیچند نفر یا بتمام آنان رجوع نماید » بطوریکه ملاحظه میشود ضمانت تضامنی ظهرنویسان برات یکی از موارد اختلاف بین انتقال طلب و انتقال برات است زیرا در انتقال طلب متعهد فقط ملتزم به پرداخت طلب است ( ماده ۴۲۰ قانون مدنی ) باین معنی که صادرکننده سند منحصرأ وجود طبراً در موقع عقد تضمین میکند و بهیچوجه ضامن اعتبار کسیانیکه طلب مزبور بعداً بآنان منتقل شده نمیشد مگر آنکه در سند انتقال، اعتبار آنرا صریحاً ضمانت کرده باشد.

ضمانت تضامنی ظهرنویسان در قانون تجارت بمنظور تسهیل مبادلات برات و افزایش اعتبارات بوسیله تعدد انتقالات سند مزبور است.

لکن مقررات فوق الذکر از مقررات آمره نبوده برات دهنده و ظهرنویسان میتوانند از ضمانت پرداخت وجه برات یا قبولی آن از طرف بدهکار صریحاً استنکاف کنند.

ظهرنویسان میتوانند لدی الاقتضاء هم از ضمانت تأدیه وجه و هم از ضمانت قبولی برت خودداری کنند ولی برات دهنده فقط میتواند از تضمین قبولی برات استنکاف کند زیرا بموجب ماده ۴۲۸ قانون مدنی، متعهد در هر حال مکلف بپرداخت موضوع تعهد میباشد.

بعلاوه استنکاف از تضمین ظهرنویسان محدود به مسئولیت مستنکف است و سایر ظهرنویسان که این استنکاف را صریحاً در برات قید نکرده باشند گمان در مقابل حامل برات متضامناً و مجتمعاً مسئول میباشند. از طرفی مستنکف باید صریحاً در برات قید کند که از کدام یک از تضمینات، سیخواهد خودداری کند. در صورتیکه این موضوع تصریح نشده باشد اصل بر اینست که هم از تضمین قبولی و هم از تضمین تأدیه وجه برات شانه خالی کرده است. ضمناً باید توجه داشت که عدم تضمین پرداخت وجه الزاماً عدم تضمین قبولی را نیز در بر دارد.

بالاخره قید عدم تضمین در برات فقط رافع مسئولیت حال و آینده ظهرنویس است ولی

1- R. Roblot, Encyclopedie Dalloz, page: 773, No 61

مستتکف بموجب قاعده لاضرر در هر حال مسئول بطلان برات و تخلفات ناشی از عمل خود میباشد.

### ج - اثر سوم ظهن نویسی برای انتقال، غیر قابل استناد بودن ایرادات است

منظور اینست که منتقل الیه حقوق خود را مستقیماً از خود برات بدون ارتباط بصحت و سقم علت یا موضوع تعهد و بدون توجه بوضعیت متعاملین ( اشتباه - اکراه ) تحصیل میکند و بهمین لحاظ مسئولین برات نمیتوانند به ایرادات خود علیه ناقلین قبلی برات ( عدم انجام تعهد از طرف برات دهنده ، تهاتر و غیره ) استناد کرده و از پرداخت وجه برات خودداری کنند. بدهکار یا مسئول برات وقتی میتواند از پرداخت وجه سند خودداری کند که فقد تسلسل امضای ظهن نویسان و یا سوء نیت حاصل براترا ثابت کند و یا آنکه ایرادات مورد استناد مربوط به روابط مستقیم بدهکار با حامل برات باشد.

۳

## ظهر نویسی به نمایندگی

طبق اصول کلی و مبانی حقوقی آثار معاملات فقط برای طرفین یا اطراف معامله مؤثر است. سندیجات مواد ۱۹۶ و ۳۱ قانون مدنی مؤید همین معنی است. معذالک بصراحت قسمت دوم سواد مزبور و ماده ۱۹۸ ( وکالت ) و همچنین مواد ۲۴۷ ( معامله فضولی ) ۸۲۶ ( وصیت ) - ۱۱۸۰ - ۱۱۸۱ - ۱۱۸۳ ( ولایت ) و ۱۲۱۷ قانون مدنی ( قیمومت ) آثار معاملات و عقود و بطور کلی آثار اعمال حقوقی در سواد خاص در باره اشخاص ثالث نیز مؤثر است.

مقررات فوق الاشعار در قانون تجارت نیز راجع به مدیران و مدیران عامل شرکتهای تجارتهای ( مواد ۱۱۸ و ۱۲۵ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب سال ۱۳۴۸ شمسی ) و سواد ۴۸ و ۵۱ قانون تجارت ( مصوب سال ۱۳۱۱ شمسی ) و در باره ظهن نویسی ( قسمت دوم ماده ۲۴۷ ) دلالتی ( ماده ۳۳۵ ) حق العمل کاری ( ماده ۳۵۸ ) حمل و نقل ( ماده ۳۷۸ ) قائم مقام تجارتهای ( ماده ۳۹۵ ) مدیر تصفیه ( ماده ۴۱۹ ) قانون تجارت پیش بینی شده است.

بطوریکه از تجزیه و تحلیل سواد سابق الذکر معلوم میشود تجویز نمایندگی با استناد قرارداد یا قانون است. نمایندگی با استناد قرارداد با نمایندگی بوکالت چنانکه در بالا اشاره شد مصادیق مختلف دارد از قبیل دلالتی، حق العمل کاری و غیره، ولی به لحاظ محدودیت قلمرو موضوع بحث در این مقال به بحث و گفتگو در باره نمایندگی در ظهن نویسی و یا ظهن نویسی

بوکالت اکتفاء میشود .

غالباً اتفاق میافتد که حامل برات بعلت کثرت اشتغال ، ضیق وقت یا عدم ادلاع از مقررات مربوطه بااستناد ماده ۲۴۷ قانون تجارت ضمن قید وکالت در وصول یا عباراتی مشابه آن ( مثل برای دریافت وجه برات )<sup>۱</sup> در ظهر برات وصول مبلغ آنرا در مقابل کارمزد معینی به بانک یا کس دیگری واگذار میکند. چنانکه ملاحظه میشود برای احراز وکالت حامل برات باید عباراتی که صریحاً مشعر بر وکالت در وصول باشد در پشت برات بنویسد و الا طبق ماده ۲۴۷ قانون تجارت امضای تنها در پشت سند بدون قید یکی از عبارات سابق الذکر حاکی از انتقال مالکیت برات است. در ظهرنویسی بوکالت، وکیل باید اهلیت داشته باشد ( قسمت دوم ماده ۶۶۲ قانون مدنی ) یعنی بالغ و عاقل و رشید باشد عبارت دیگر وکیل نباید صغیر یا مجنون و یا غیر رشید باشد، لکن بموجب قسمت دوم ماده ۶۸۱ قانون مدنی محجوریت وکیل در اموریکه حبر مانع از اقدام در آن نباشد موجب بطلان وکالت نمیشود .

منظور از حجر در این ماده سفته است و چون بنا به مستفاد مواد ۱۲۱۲ و ۱۲۱۳ دخالت صغیر ممیز در امور دیگران مجاز است، علیهذا وکالت آنان در ظهرنویسی که مربوط به وکالت در امور اشخاص ثالث است مانعی ندارد .

نمایندگان قانونی از قبیل مدیران تصفیه و مدیران و مدیرعامل شرکتهای تجارتهی و غیره نیز طبق مقررات راجع به شرایط اساسی برای صحت معامله ( ماده ۱۹۰ قانون مدنی ) باید اهلیت داشته باشند . در ظهرنویسی بوکالت که بر مبنای عقد قرارداد جداگانه مثلا وکالتنامه واقع میشود، ظهرنویس باید رأساً مورد وکالت را انجام دهد مگر آنکه وکالت در توکیل صریحاً یا بدلالت قرائن در وکالتنامه ذکر شده باشد ( ماده ۶۷۲ قانون مدنی )

در قوانین انگلیس ( ماده ۳۵ قسمت دوم ) و آمریکا ( ماده ۶۶ ) توکیل غیر، از طرف ظهرنویس وکیل ممنوع شده ، لکن در فرانسه ( ماده ۱۹۹۴ قانون مدنی ) و ترکیه و بلغارستان وکالت در ظهرنویسی خود بخود موجب توکیل شخص ثالث نیز هست<sup>۲</sup>

#### ۱-۲ - آثار و احکام ظهرنویسی بوکالت

این مقررات را در روابط بین طرفین قرارداد از یکطرف و نسبت به اشخاص ثالث جداگانه مورد بحث قرار میدهم .

#### الف - احکام ظهرنویسی بین ظهرنویس و وکیل

از مفهوم مندرجات مواد ۶۶۷ و ۶۷۱ قانون مدنی و قسمت دوم ماده ۲۴۷ قانون تجارت و مقایسه آنها با یکدیگر احکام زیر استنباط میشود .

۱ - تشخیص اینکه عبارت مندرج در ظهر برات ظهور در وکالت دارد یا خیر مسئله ای ماهوی است و در صلاحیت قضات دادگاهها است .

الف - وکیل علاوه بر وصول مبلغ برات حق دارد براترا برای قبولی ( ماده ۲۳۵ قانون تجارت ) بدهکار ارائه دهد و در صورت نکول طبق مقررات ماده ۲۳۷ اعتراض کند و پس از اعتراض از ظهرنویسها و برات دهنده، ضامنی برای تأدیه وجه برات در سررسید مطالبه کند چنانچه نامبردگان از تضمین استنکاف کنند نسبت به وصول وجه برات به انضمام مخارج اعتراض اقدام کند .

ب - همچنین وکیل میتواند براترا برای وصول وجه آن در موعد مقرر به بدهکار ارائه داده و در صورت عدم تأدیه طبق مقررات اعتراض کند و حداکثر در ظرف یکسال از تاریخ اعتراض برای اقامه دعوی به مراجع صالحه مراجعه کند ( ماده ۲۸۶ قانون تجارت ) .

ج - ظهرنویس باید تمام مخارجی را که وکیل برای انجام دادن - امور محوله از قبیل هزینه دادخواست و هزینه و اخواست - هزینه کارشناسی و همچنین حق الزحمه وکیل متحمل شده بپردازد ( ماده ۶۷۴ قانون مدنی ) در صورت استنکاف از پرداخت مخارج متعلقه وکیل نمیتواند از مقررات قانون تجارت مانند محاکمات اختصاری و مرور زمان کوتاه مدت استفاده کند و باید طبق مقررات آئین دادرسی مدنی احقاق کند زیرا این قبیل مطالبات مشمول مقررات برات نمیشود .  
د - بطور کلی وکیل باید طبق اختیاراتیکه ظهرنویس به او داده و یا برحسب قرائن و عرف و عادات داخل در اختیار او است عمل کند .

ه - چنانچه وکیل مرقوم در فیصله امور مرجوعه مرتکب تعدی و تفریط شود و در نتیجه خسارتی به ظهرنویس متوجه شود که عرفاً وکیل مسبب آن محسوب میشود، مسئول خواهد بود ( ماده ۶۶۶ قانون مدنی ) بانکها معمولاً بمطالبه براتهاییکه برای وصول به آنها ارجاع میشود اقدام میکنند و در صورت عدم تأدیه به تنظیم و اخواست علیه بدهکار اکتفا کرده و عموماً از اقامه دعوی و تعقیب آن خودداری میکنند . این رویه با مفهوم و منطوق وکالت در وصول، که در ماده ۲۴۷ قانون تجارت صریحاً ذکر شده سازگار نیست زیرا لازمه وکالت در وصول، انجام دادن تمام تشریفات لازم از جمله اقامه دعوی است تا در نتیجه تعقیب دعوی و بدور حکم و قطعیت آن وصول وجه برات که موضوع ماده ۲۴۷ قانون است، تحقق پیدا کند بدیهی است بانکها میتوانند در صورت ارجاع برات برای وصول، امتناع خود را از اقامه دعوی کتباً به ظهرنویس اطلاع دهند .

#### و - احکام ظهرنویسی مربوط به وکالت، در مقابل اشخاص ثالث

چنانکه قبلاً گفته شد به اتکا وکالت در وصول وکیل حق دارد به نمایندگی از ظهرنویس برای استیفاء تمام حقوق ناشیه از برات اقدام کند ( مراجعه به بدهکار برای قبول و یا تأدیه وجه برات . اعتراض نکول یا اعتراض عدم تأدیه بمنظور امکان مراجعه

۱ - مدت سه ماه مندرج در ماده ۲۸۶ قانون تجارت بموجب اصلاحیه مورخ ۲۶/۱۰/۴۸ شورای انقلاب به یکسال افزایش پیدا کرده است .



به ظهرنویسان یا ضامن برات، اقامه دعوی، درخواست صدور قرار تأمین اسوا بدهکار، مطالبه وجه برات در صورت گم شدن سند با رعایت مقررات مندرج در مواد ۲۶۱ قانون تجارت و مواد ذیل آن).

لکن ظهرنویس پس از تنویض و کالت مالکیت براترا کماکان برای خود حفظ مینماید. بنابراین وکیل حق ندارد از قسمتی از وجه برات صرفنظر کرده یا با بدهکار صلح کند و یا باستناد ماده ۴۷۶ قانون تجارت در قرارداد ارفاقی ورشکسته شرکت کند. همچنین بدهکار در صورت مراجعه وکیل برای وصول مبلغ برات میتواند بایرادات خود علیه ظهرنویس استناد کند و به همین لحاظ بدهکار نمیتواند باستناد ایرادات شخصی علیه وکیل از پرداخت وجه برات استنکاف کند. همچنین ظهرنویس با تفویض و کالت حق دارد وجه براترا شخصاً وصول کند و اگر وکیل ورشکست شود میتواند لاشه براتهای مورد و کالت را که بین اسوا ورشکسته موجود است تصاحب کند، حتی اگر وجوه وصول شده با امارت و قرائن خارجی از سایر اسوا ورشکسته مشخص و ارتباط آن با برات مورد و کالت مسلم باشد ظهرنویس مجاز است وجوه مزبور را بخود اختصاص دهد.

#### ز. طرق مختلفه انقضای وکالت

بموجب ماده ۶۷۹ قانون مدنی چون وکالت عقدی است جایز و موقت میتواند هر وقت بخواهد وکیل را عزل کند مگر آنکه وکالت وکیل ضمن عقد لازمی شرط شده باشد. عزل وکیل با خط زدن عبارت وکالت در وصول یا لغو آن بشرط قید در ظهر برات ثابت میشود. استثنای وکیل نیز بعلت جواز عقد وکالت مجاز است.

#### ح. فوت موکل موجب انقضای وکالت است

در قانون ایران پس از فوت موکل (ظهرنویس) قرارداد وکالت منقضی میشود ولی به موجب قانون متحدالشکل ژنو فوت موکل بعلت آنکه موجب تنزل اعتبار برات و کندی مبادلات آن میشد کان لم یکن تلقی شده و عملیات وکیل پس از فوت موکل مانند زمان حیات او قانونی تلقی شده است.

طس ورشکستگی ظهرنویس بصراحت مندرجات ماده ۴۱۸ قانون تجارت موجب انقضای قرارداد وکالت میشود زیرا بموجب این ماده تاجر ورشکسته از تاریخ صدور حکم از مداخله در تمام امور خود بلااستثناء ممنوع است و در کلیه اختیارات و حقوق مالی ورشکسته که استفاده از آن مؤثر در تأدیه دیون او باشد، مدیر تصفیه قائم مقام قانونی ورشکسته میباشد.

اما آثار ورشکستگی یا افلاس وکیل چون در قانون صریحاً پیش بینی نشده و بعلاوه وکالت وکیل مفلس یا ورشکسته در امور مالی او مؤثر نیست علیهذا وکیل ورشکسته میتواند تا اتمام امور مرجوعه به وکالت خود ادامه دهد.

بالاخره پس از اختتام مورد وکالت و تنظیم صورت حساب و تأدیه وجه برات به ظهرنویس، وکالت وکیل مرتفع میشود.

## ظهر نویسی به عنوان رهن

بموجب ماده ۷۷۱ قانون مدنی رهن عقدی است که بموجب آن مدیون مالیرا برای وثیقه به رهن می‌دهد. این تعریف که جامع است مانع بنظر نمی‌رسد، زیرا در عقد رهن علاوه بر رهن شخص ثالث نیز می‌تواند مالی را بفتح مدیون به وثیقه بگذارد. از طرف دیگر رهن علاوه بر استقراض بمنظور تحصیل اعتبار نیز واقع می‌شود بنا به سراتب رهن را بطریق زیر می‌توان تعریف کرد « رهن عقدی است که بموجب آن مدیون یا دیگری مالیرا اعم از غیرمنقول یا منقول و یا در حکم مال منقول، برای تضمین استرداد دین بدائن می‌دهد » معمولا عقد رهن پس از تنظیم سند رسمی یا عادی تحقق پیدا می‌کند لکن در حال حاضر طبق مقررات قانون متحدالشکل ژنو و قوانین مغرب زمین عقد رهن ضمن ظهر نویسی سند نیز واقع می‌شود.

طبق ماده ۲۴۷ قانون تجارت ظهر نویسی حاکی از انتقال براتست مگر آنکه ظهر نویسی وکالت در وصول را در آن قید کرده باشد. بنابراین در قانون تجارت ایران ظهر نویسی فقط برای انتقال مالکیت برات یا وکالت در وصول پیش بینی شده است.

بموجب تصویب نامه قانونی شماره ۱۶۹۵۲/ت مورخ ۱۳۴۰/۶/۱۱ و تصویب نامه قانونی تکمیلی شماره ۲۷۵۳/ت مورخ ۱۳۴۰/۱۰/۴ برگ وثیقه‌ای که در مقابل تودیع کالا در انبارهای عمومی از طرف متصدیان مسئول انبارهای مزبور صادر می‌شود از طریق ظهر نویسی قابل انتقال است (ماده ۲ تصویب نامه)

با الهام از مقررات فوق با استناد وحدت ملاک و با اتکاء به مندرجات ماده ۲۷۸ قانون تجارت مذکور در ذیل مبحث نهم راجع به حقوق و وظایف دارنده برات که امکان هر گونه قراردادی را بین دارنده برات و برات دهنده و ظهر نویسان جایز دانسته و همچنین با استناد نظر مقررات کلی مندرج در ماده دهم قانون مدنی که بموجب آن « قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند در صورتیکه مخالف قانون نباشد نافذ است ». می‌توان نتیجه گرفت که ظهر نویسی بعنوان رهن مانند ظهر نویسی برای انتقال مالکیت تلویحاً در قانون تجارت ایران در نظر گرفته شده لکن چون مقررات خاصی راجع به ظهر نویسی بمنظور رهن در قانون تجارت پیش بینی نشده است، برای صحت و ستم معاملات مربوط به ظهر نویسی این قبیل معاملات (با توجه به استثنائی بودن مقررات قانون تجارت) باید به مقررات قانون مدنی راجع به رهن مراجعه کرد.

ممکن است ایراد شود که مقنن در قسمت اخیر ماده ۷۷۴ قانون مدنی رهن و منفعت را صریحاً باطل دانسته علیهذا ظهرونیسی برات بعنوان رهن ملاک قانونی ندارد، لکن همانطوریکه قبلاً گفتیم چون حقوق دارنده برات مانند سایر اوراق بهادار ناشی از سند است نه مدیون، بعلاوه بعقیده عموم علمای حقوق این قبیل اوراق در زمره اوراق اعتباری و یکنوع مال شمرده شده<sup>۱</sup> علیهذا برات دین یا منفعت نبوده و مشمول مقررات قسمت اخیر ماده موصوف نمیشد.

### ۳-۱ - شرایط اساسی برای صحت ظهرونیسی بعنوان رهن

بطوریکه میدانیم ظهرونیسی سند مسبوق به معامله است، بنابراین طرفین آن باید ناصد بوده و اهلیت داشته باشند و جهت معامله نیز مشروع باشد. بنابراین ظهرونیسی که در حال مستی بوسیله راهن صورت گرفته باشد باطل است (ماده ۹۰ قانون مدنی) معاملات معسور و ورشکسته نیز بلا اثر است (مواد ۲۱۲ و ۲۱۳ قانون مدنی و بند ۳ ماده ۲۳ قانون تجارت) بعلاوه ظهرونیسی بعنوان رهن بدون احراز مالکیت حامل برات مؤثر نیست ولی همانطوریکه قبلاً دیدیم حامل براتی که سوه نیت او در موقع انتقال ثابت نشده و امضای ظهرونیسان سند مسلسل باشد ولو اینکه سند از طرف غیر مالک، به او منتقل شده باشد از طرف مقنن مالک برات شناخته شده است.

بالاخره ظهرونیسی بعنوان رهن وقتی تحقق پیدا میکند که مال مرهون یعنی برات بتصرف مرتهن داده شده باشد.

### ۳-۲ - شرایط شکلی ظهرونیسی بعنوان رهن

طبق مقررات قانون تجارت کشورهای مغرب زمین ظهرونیسی بعنوان رهن پس از درج عبارت « برای تضمین » یا « برای رهن » یا عبارتی مشابه آن در پشت برات که به امضاء ظهرونیس ( رهن ) رسیده واقع میشود. مقنن ایران با تصویب ماده ۱۳۰۱ قانون مدنی که بموجب آن امضائیکه در روی نوشته یا سندی باشد بر ضرر امضاء کننده دلیل است، اعمال مقررات فوق را در ظهرونیسی بعنوان رهن تلویحاً اجازه داده است.

عده‌ای از دانشمندان ذکر نام مرتهن و تاریخ ظهرونیسی را برای تحقق معامله لازم دانسته‌اند لکن بعقیده اکثر علماء ذکر عباراتی در پشت برات که حاکی از رهن بوده و به امضای رهن رسیده باشد برای اثبات رهن کافی است بنظر ما این عقیده با سدرجات ماده ۱۳۰۱ قانون مدنی منطبق است، لکن امضای تنها بدون ذکر عبارات فوق الذکر کافی نیست زیرا همانطوریکه قبلاً نیز توضیح داده شده امضای تنها در پشت برات مشعر مالکیت برات است.

۱ - حائری شاه باغ . شرح قانون مدنی، جلد اول، صفحه ۱۳

ظهرنویسی چنانکه میدانیم مفهوم کلی داشته و چه بعنوان انتقال مالکیت وجه بعنوان رهن علاوه بر برات یا سفته شامل سهام شرکتها نیز میشود، ولی در مورد این قبیل اسناد بین سهام با نام و بی نام باید تفکیک قائل شد. در سهام با نام ظهرنویسی بعنوان رهن چون در حقیقت انتقال قسمتی از مالکیت سند است مانند ظهرنویسی بعنوان مالکیت فقط پس از درج معامله در دفتر سهام شرکت صادرکننده سهم تحقق مییابد ( ماده ۴ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴ شمس ) راجع به سهام بی نام عبارت « برای تضمین » یا « برای رهن » مندرج در پشت سند پس از امضای رهن دلیل بر وقوع رهن است.

نظر به اینکه استیفای حق رهن همانطوریکه عنقریب خواهیم دید تابع تشریفات خاصی است که متضمن بطوئه نقل و انتقال برات میشود و این امر مابین با سهولت و سرعت معاملات این قبیل اسناد است و عبارت دیگر با خصوصیات اقتصادی حاکم بر نقل و انتقال برات منافات دارد از این جهت ظهرنویسی بعنوان رهن، در عمل اهمیت خود را از دست داده است و مقروض بعبوض ظهرنویسی بعنوان رهن برات را پس از امضای پشت آن به مقروض واگذار میکند. اثبات حق رهن نسبت به سند بطریق دیگر از قبیل تنظیم سند جداگانه، قید عقد رهن در دفتر تجارتنی یا ضمن نامه عادی صورت میگیرد.

لکن در مقابل اشخاص ثالث مندرجات ظاهری برات قابل استناد بوده و مدارک مزبور فقط بین طرفین معامله مؤثر است. علیهذا چنانچه مرتبه برات مورد بحث را، که با تشریفات فوق الذکر به رهن او درآمده، با امضای تنها یعنی بعنوان مالکیت به دیگری که سؤنیت او هنگام انتقال ثابت نشده منتقل کند این انتقال صحیح بوده و رهن حق هیچگونه اعتراضی به واگذاری برات نخواهد داشت، لکن میتواند مرتبه را بعنوان خیانت در امانت طبق ماده ۲۴۱ قانون مجازات عمومی تحت تعقیب جزائی قرار دهد.

رهن اموال منقول از قبیل کالاهای تجارتنی و محصولات صنعتی و کشاورزی و نظائر آن در ایران معمولاً با تودیع اموال مذکور در انبارهای عمومی بعمل میآید.

در مقابل تودیع این قبیل کالاها قبض رسید و برگ وثیقه از طرف متصدیان انبار صادر میشود. قبض رسید و برگ وثیقه را میتوان توأم یا جداگانه از طریق ظهرنویسی منتقل نمود. در صورت ظهرنویسی برگ وثیقه کالای مربوط به آن در گرو شخصی که ظهرنویسی به نفع او شده قرار خواهد گرفت و در صورت ظهرنویسی قبض رسید، مالکیت کالا به انتقال گیرنده منتقل خواهد شد ( ماده ۶ تصویبنامه قانونی مورخ ۱۳۴۰/۱۰/۲ ) چنانکه دیده میشود برگ وثیقه بوسیله ظهرنویسی به ایادی متعاقبه قابل انتقال بوده و ظهرنویسان در مقابل دارنده سند متضامناً مسئول میباشند.

## ۳-۳- آثار و احکام ظهرنویسی بعنوان رهن

این احکامرا در دو مرحله مورد بررسی قرار میدهیم مرحله اول آثار و احکام ظهرنویسی قبل از انقضای مدت طلب مورد رهن و مرحله دوم آثار و احکام ظهرنویسی بعد از انقضای آن .

در مرحله اول چون مال مرهون طبق ماده ۷۸۹ قانون مدنی در ید مرتهن امانت محسوب است، چنانچه در صورت تقصیر او تلف یا ناقص شود مسئول است و تقصیر اعم است از تفریط. یا تعدی ( ماده ۹۰۳ قانون مدنی )

تفریط وقتی است که مرتهن برات مورد رهن را برای قبولی به رؤیت محال علیه نرساند یا در صورت نکول ناسپرده وجه براترا مطالبه نکرده و یا تقاضای ضامنی برای تأدیه وجه آن، پس از اعتراض نکول، نکند ( ماده ۲۳۷ قانون تجارت ) همچنین عدم وصول مبلغ برات در رأس مدت ( ماده ۲۷۴ قانون تجارت ) یا عدم تنظیم برگ و اخواست ( در صورت خودداری مسئول برات از تأدیه وجه ) و یا بالاخره استنکاف از اقامه دعوی در سهلت مندرج در ماده ۲۸۶ قانون تجارت مشمول موارد تفریط است .

در تمام موارد فوق چنانچه بر اثر ترک عمل مرتهن، خساراتی متوجه رهن شود مرتهن مسئول جبران خسارت وارده خواهد بود. مثلاً اگر بر اثر غفلت مرتهن وجه برات بموقع مطالبه نشود و بدهکار برات بعداً ورشکست شود بنا به قاعده لاضرر مرتهن مسئول خواهد بود .

تعدی مثل اینکه مرتهن تمام یا قسمتی از مال مرهون را به دیگری منتقل کرده یا در قرارداد ارفاقی ورشکسته شرکت کند. حتی اگر مرتهن مورد رهن را به دیگری وثیقه دهد عمل او باز هم مشمول تعدی بوده و جوابگو است زیرا مال مرهون بصراحت ماده ۷۸۹ قانون مدنی در ید مرتهن امانت است و ناسپرده مکلف است طبق نص آیه شریفه « ان الله یامرکم ان تودوا الامانات الی اهلها » پس از وصول طلب آنرا برهن برگرداند. مع هذا بنا به اطلاقات و عمومات ماده ۹۰۶ قانون مدنی که میگوید « وکالت عقدی است که بموجب آن یکی از طرفین طرف دیگر را برای انجام امری نایب خود مینماید » مرتهن میتواند برات مورد رهن را بعنوان وکالت ظهرنویسی کرده به دیگری واگذار کند تا ناسپرده بنمایندگی از مرتهن نسبت به استیفای حق متعلقه اقدام کند .

در هر حال مرتهن حق دارد قبل از وصول طلب از استرداد مال مرهون خودداری کند مواد ( ۷۸۰ و ۷۹۰ قانون مدنی ) .

گفتیم یکی از وظایف مرتهن آنست که در رأس مدت طبق ماده ۲۷۴ قانون تجارت و مواد ذیل آن ، وجه براترا مطالبه کند و در صورت عدم تأدیه و اعتراض به یکایک مسئولین برات یعنی برات دهنده و کسیکه براترا قبول کرده و ظهرنویسان رجوع کند .

در موقع مراجعه مرتهن، هیچیک از مسئولین برات نمیتواند به ایرادات خود علیه راهن یا ظهر نویسان قبلی استناد کند گرچه مرهن از جهت طلب نماینده راهن است ولی چون نامبرده دارای یکنوع حق عینی در برات بوده و بهمین جهت واخواست و دادخواست مربوطه را بنام خود تنظیم و اقامه دعوی میکند علیهذا ایرادات مسئولین برات مؤثر در مقام نیست. هرگاه پس از وصول برات موعد انقضای رهن با انقضای مدت طلب تلاقی کند مرتهن با استناد تهاتر قبلی مندرج در ماده ۲۹۵ قانون مدنی تا اندازه‌ای که با طلب خود معادله نماید از وجه برات برداشت و بقیه را به راهن رد میکند.

چنانچه موعد رهن قبل از موعد طلب باشد مرتهن میتواند پس از اذن راهن وجه وصول شده را با طلب خود تهاتر کند والا چون حق مطالبه طلب را قبل از موعد ندارد (ماده ۲۵۱ قانون مدنی) مکلف است وجه وصول شده را که جانشین مال مرهون (برات) است تا رأس مدت نزد خود بعنوان گروگان نگاهداری نماید و پس از حلول مدت طلب خود را با وجه وصول شده تهاتر کند.

مرحله دوم وقتی است که سررسید طلب مرتهن قبل از انقضای مدت مال مرهون (برات) است، در این صورت چنانچه راهن دین خود را بپردازد مرتهن مکلف به استرداد برات است ولی اگر تأدیه محدود به قسمتی از دین باشد طلبکار حق دارد ماده‌ایکه تمامی طلب پرداخت نشده از استرداد مال مرهون خودداری کند (ماده ۷۸۳ قانون مدنی).

هرگاه در سررسید طلب، راهن از پرداخت دین خودداری کند چنانچه عقد رهن از طریق ظهرنویسی نبوده و مستند به سند رسمی باشد چون برات در حکم اموال منقول است مرتهن میتواند وصول تمام یا باقیمانده طلب خود را توسط دفترخانه تنظیم کننده سند با احتساب خسارات دیر کرده، نسبت به اصل طلب، از تاریخ انقضای مدت حق استرداد، مطالبه کند و چنانچه راهن ظرف چهارماه از تاریخ ابلاغ اجرائیه نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام ننماید مال مرهون وسیله اجرای ثبت به حراج، یعنی بهر قیمتی که خریدار داشته باشد، گذارده شد، و بفروش میرسد و اگر مال مرهون کمتر از طلب مرتهن و خسارات و حقوق و عوارض دیرانی بفروش برود پس از دریافت حقوق و عوارض دولتی مال مزبور ضمن تنظیم صورتجلسه توسط متصدی مسئول تحویل طلبکار میشود (قسمت دوم ماده ۴۰۰ قانون ثبت).

اگر مال مرهون کالا بوده و مستند آن برگ وثیقه صادره از انبار عمومی باشد و اولین ظهرنویسی در دفتر انبار به ثبت رسیده باشد دارنده برگ وثیقه در صورت عدم تأدیه دین میتواند ده روز پس از انقضای موعد مذکور در برگ وثیقه برای وصول طلب خود و خسارات متعلقه، فروش کالای مورد وثیقه را از ثبت محل تقاضا کند در اینصورت ثبت محل فوراً موضوع را به انبارهای عمومی اطلاع داده و تقاضای مزبور را ضمن صدور اجرائیه به اولین ظهرنویسی برگ وثیقه ابلاغ میکند و در صورتیکه بدهکار ظرف یکماه از تاریخ ابلاغ اجرائیه

بدهی خود را نپردازد ثبت محل اقدام بفروش مورد وثیقه از طریق حراج خواهد نمود و با حاصل فروش پس از وضع حقوق و هزینه انبارداری و حقوق و هزینه‌های اجرائی به سرتهن داده میشود. در صورتیکه با حاصل فروش مال برای پرداخت طلب کافی نباشد دارنده برگ وثیقه میتواند نسبت به بقیه طلب خود به هر یک از ظهرنویسان مراجعه کند مشروط بر اینکه در ظرف یکماه از تاریخ سررسید طلب، تقاضای صدور اجرائیه کرده باشد (مواد ۸ و ۱۰ تصویبنامه قانون و ماده ۱۴ آئیننامه تصویبنامه قانون) در صورتیکه برات یا سفته یا اسناد مشابه از طریق ظهرنویسی به رهن واگذار شده و بدهکار از تأدیه دین خود در سهلت مقرر استنکاف کرده باشد به دعوی طرفین از طریق رسیدگی اختصاری به استناد ماده ۱۴۳ قانون آئین دادرسی مدنی و با توجه بماده ۲۹۲ قانون تجارت رسیدگی میشود.

## ۴

### ظهر نویسی به منظور ضمانت

ضمانت در برات عبارتست از تعهدی که بموجب آن کسی قبول میکند که وجه سند را بجای صادرکننده یا قبول کننده یا یکی از ظهرنویسان برات پردازد، علیهذا ضمانت در برات از مصادیق ضمان عقدی بوده و بنابراین در شمار تعهدات است.

مقتن ایران ذیل ماده ۲۴۹ قانون تجارت در تعریف ضمانت در برات بدین شرح اکتفاء نموده است: «ضامنی که ضمانت برات دهنده یا محال علیه یا ظهرنویس را کرده فقط با کسی مسئولیت تضامنی دارد که از او ضمانت کرده است» اما چون از ذکر شرایط اساسی - شرایط صوری و همچنین آثار و احکام آن خودداری کرده است ناچار باید به استناد مقررات مذکور در باب دهم قانون تجارت راجع به ضمانت و مواد قانون مدنی مربوط به ضمان عقدی و همچنین با الهام از مقررات قانون متحدالشکل ژنو مصوب ۱۹۳۲ - ۱۹۳۰ مسائل فوق الذکر را مورد بحث قرارداد وحل و فصل کرد.

#### ۱-۴. شرایط اساسی ضمانت در برات

این شرایط مربوطست به موضوع ضمانت در برات - چه کسی میتواند در برات ضمانت کند - مضمون عنده در برات - زمان مجاز برای تضمین در برات. هر یک از مسائل فوق ذیلا مورد بحث قرار میگیرد.

### الف - موضوع ضمانت در برات

با توجه بمندرجات ماده ۲۴۹ قانون تجارت موضوع ضمانت در برات عبارت از تضمین پرداخت وجه برات در رأس مدت، در صورت عدم تأدیه و اعتراض میباشند.

ماده ۲۳۷ قانون تجارت، ضمانت در برات علاوه بر تأدیه وجه برات شامل ضمانت قبولی برات از طرف گیرنده برات نیز میشود مگر آنکه ضامن از ضمانت قبولی برات صریحاً خودداری کرده باشد.

بنابراین اگر ضمانت بطور مطلق برده و گیرنده برات از قبولی آن استنکاف کند، دارنده برات حق دارد از ضامن مانند مضمون عنه تناخوا کند، ضامنی برای تأدیه وجه آن در سر وعده بدهد و یا آنکه وجه برات را به انضمام مخارج متعلقه فوراً بپردازد.

به اتکاء اصل آزادی اراده در قراردادها و به مدلول ماده (۱۰) و ماده (۷۱۳) قانون مدنی ضامن برات مانند ظهرنویسان میتواند مسئولیت خود را در ضمانت محدود و یا مقیّد بشروطی کند.

مثلاً ضامن میتواند ضمانت خود را به پرداخت قسمتی از وجه برات محدود کند و یا فقط در مقابل دارنده فعلی برات ضمانت کند و یا مدت ضمانت را در براتهای به رؤیت کمتر از موعد یکسال مقرر در ماده ۲۷۴ قانون تجارت تعیین کند. همچنین ضامن میتواند بشرط تصریح در برات از حامل برات (مضمون له) بخواهد که بدو ابداً بمدیون اصلی مراجعه کرده و در صورت عدم وصول طلب به او رجوع کند (ماده ۴۰۲ قانون تجارت) بطور کلی ضامن میتواند هر نوع شرطی که خلاف مقتضای عقد و یا سایر قوانین آمره نباشد در برات قید کند. چنانکه ضامن میتواند التزام بتأدیه مضمون به را در برات به وقوع شرطی معلق نماید ولی چون تعلیق در ضمان شرطی خلاف مقتضای عقد است، باطل است (ماده ۲۹۹ قانون مدنی) به همین جهات اگر ضامن یکی از شرایط اساسی مذکور در فقرات ۲ - ۳ - ۴ - ۵ - ۶ - ۸ ماده ۲۲۳ قانون تجارت را در موقع تضمین حذف و یا تغییر دهد ضمانت مزبور مشمول مقررات مربوط به بروات تجارته نخواهد بود.

### ب - چه کسی میتواند در برات ضمانت کند؟

مستفاد از مقررات ماده ۲۴۹ قانون تجارت اینستکه ضمانت در برات ممکن است از طرف شخص ثالث و یا یکی از ظهرنویسان برات بعمل آید. در قوانین خارجی ۲ ضمانت شخص

- ۱ - تجدید ضمانت به پرداخت قسمتی از وجه برات در ماده ۳۰ قانون متحدالشکل ژنو و ماده ۱۲۰ قانون فرانسه و همچنین ماده ۱۰۲۰ قانون تعهدات کشور سویس صریحاً پیش بینی شده است.
- ۲ - بند دوم ماده ۱۰۲۰ قانون تعهدات سویس و بند دوم ماده ۱۳۰ قانون تجارت فرانسه و ماده ۳۰ قانون متحدالشکل ژنو. بند دوم.



ثالث و یا یکی از ظهرنویسان برات صریحاً پیش بینی گردیده است .  
 ضمانت در برات بوکالت شخص ثالث نیز ممکن است واقع شود. در این صورت هر گاه حامل برات بخواهد علیه موکل اقامه دعوی کند باید قبلاً به حدود اختیارات وکیل اطمینان حاصل کند .

اگر ضامن در برات شخص ثالث باشد نامبرده باید اهلیت داشته باشد ( ماده ۶۸۶ قانون مدنی )

ج- لازم نیست که ضامن مال دار باشد ولی اگر حامل برات ( مضمون له ) در موقع وقوع ضمانت بعد از تمکن ضامن جاهل بوده میتواند ضمانت را فسخ کند ( ماده ۶۹۰ قانون مدنی ) همچنین علم ضامن به مقدار و اوصاف و شرایط دین که ضمانت میکند شرط نیست ( ماده ۶۹۴ قانون مدنی ) بنابراین چنانچه ضامن به وثایق رهن جاهل باشد ضمانت صحیح است .

د- گفتیم که ضمانت در برات ممکن است بوسیله شخص ثالث یا یکی از ظهرنویسان واقع شود ولی باید توجه داشت که این ضمانت در صورتی تحقق مییابد که مفید فائده باشد. مثلاً اگر یکی از ظهرنویسان از صادر کننده برات که مبلغ برات را به براتگیر رسانده و یا از براتگیری که برات را قبول کرده ضمانت کند این ضمانت مؤثر است .

بالعکس ضمانت براتگیری که برات را قبول کرده از یکی دیگر از ظهرنویسان بلاوجه است زیرا نامبرده مسئول اصلی پرداخت بوده و در هر حال، ولو در صورت غفلت حامل برات از انجام دادن تشریفات مقرر قانونی، مکلف به پرداخت وجه سند حامل برات میباشد مگر آنکه طلب مزبور مشمول مرور زمان شده باشد .

چند نفر ممکن است از مضمون عنه در برات ضمانت کنند ( ماده ۶۸۹ قانون مدنی ) در اینصورت چون ضامنین بوسیله برات ضمانت کرده و پشت آنها امضاء کرده اند در مقابل حامل برات متضامناً مسئول پرداخت وجه برات میباشند .

#### ۵- چه کسی میتواند مضمون عنه واقع شود ؟

طبق مفاد مندرجات بند دوم ماده ۲۴۹ قانون تجارت مضمون عنه ممکن است برات دهنده یا محال علیه یا ظهرنویس باشد. بعلاوه بنا به اطلاعات مقررات همین ماده میتوان گفت که چند نفر از مسئولین برات ممکن است دفعتاً واحده مضمون عنه در برات قرار گیرند. از طرفی ضامن میتواند از براتگیر ( محال علیه ) ضمانت کند اعم از اینکه نامبرده برات را قبول کرده یا نکرده باشد. ولی این ضمانت وقتی محقق میشود که براتگیر سند را قبول و امضاء کرده باشد زیرا در غیر اینصورت ضامن بدون موضوع بوده و مؤثر در مقام نیست .

هر گاه مضمون عنه در برات معلوم نباشد بموجب قانون متحدالشکل ژنو و بند (۲۰)

۱- اهلیت ظهرنویس در صورتیکه ضامن در برات باشد، قبلاً ضمن بحث راجع به ظهرنویس گفته شد. است

ماده ۱۳۰ قانون تجارت فرانسه و همچنین قسمت اخیر ماده ۱۰۲۱ قانون تعهدات سویس صادرکننده برات مضمون عنه محسوب میشود.

در قانون ایران این موضوع صریحاً پیش بینی نشده ولی چون صرف امضای پشت برات بدون درج هرگونه مطلبی ظهور در ضمانت تضامنی امضاء کننده دارد<sup>۱</sup> و بنا بر عرف و عادت تجارتمندی در صورت عدم تعیین مضمون عنه، صادر کننده برات مضمون عنه محسوب است<sup>۲</sup> علیهذا در این قبیل موارد هرگاه وجه برات از طرف مسئول برات پرداخت نشود حامل برات میتواند بصادرکننده برات و ضامن، متضامناً، برای وصول مبلغ برات مراجعه کند. بموجب ماده ۲۸۸ قانون مدنی ممکن است از ضامن ضمانت کرد بنابراین با توجه باینکه صرف امضاء در پشت برات موجب ضمانت تضامنی است، علیهذا حامل برات لذی الاقتصاء میتواند بیشتر کلاً متضامناً از هر یک از دو ضامن، وجه برات را مطالبه کند.

طبق مقررات ماده ۲۹۷ قانون مدنی ضمان عهده از مشتری یا بایع نسبت به درک سبب یا ثمن در صورت مستحق للغیر در آمدن آن جایز است. بنظر نگارنده با تنقیح مناط و با تعمیم مقررات این ماده به نقل و انتقال برات که عموماً یک نوع بیع است، ضمانت در برات صحیح است ولو آنکه مورد ضمان باطل اعلام شود. بدیهی است اگر علت ابطال فقد یکی از شرائط مقرر در فقرات ۲ - ۳ - ۴ - ۵ - ۶ - ۸ ماده ۲۲۳ قانون تجارت باشد ضمانت مشمول مقررات راجع به بروات تجارتمندی نخواهد بود (ماده ۲۲۶ قانون تجارت).

#### و - زمان مجاز برای تضمین در برات

ضمانت در برات مانند ظهر نویسی معمولاً بین زمان صدور و انقضای مدت سند واقع میشود. بنابراین اگر ضمانت در برات بعد از انقضای مدت برات یعنی پس از تنظیم اعتراض یا بعد از انقضای مدت مقرر برای تنظیم اعتراض (ماده ۲۸۰ قانون تجارت) بعمل آمده باشد مشمول مقررات قانون تجارت نبوده و آثار آن محدود به ضمانت مدنی خواهد بود. حال میخواهیم بدانیم آیا ضمانت قبل از صدور برات هم ممکن است واقع شود.

در قانون تجارت ایران این مسئله پیش بینی نشده است و بموجب ماده ۲۹۱ قانون مدنی ضمان دین که هنوز سبب آن ایجاد نشده، باطل است. بنابراین ضمانت در برات که بموجب سند جداگانه قبل از صدور برات صورت گرفته باشد باطل است ولی اگر نوع سند (برات - سفته) و دین (بطور کلی) و مشخصات مضمون عنه و مضمون له در سند جداگانه پیش بینی شده باشد میتوان گفت که سبب دین ایجاد شده و ضمانت مزبور ولو اینکه قبل از صدور برات واقع شده باشد صحیح است.

۱ - مجموعه نظرهای مشورتی در زمینه مسائل مدنی، صفحه ۱۹  
 ۲ - مگر آنکه خلاف آن ثابت شود.

## ۴-۴ - اشکال ضمانت در برات

با توجه و تعمق به مندرجات قسمت اخیر ماده ۲۴۹ قانون تجارت معلوم میشود که ضمانت در برات نوعی ظهرنویسی است با این اختلاف که ظهرنویس متضامناً مسئول اعتبار تمام ظهرنویسان ماقبل خود میباشد، در صورتیکه ضامن برات چنانکه میدانیم فقط با کسی مسئولیت تضامنی دارد که از او ضمانت کرده است. بنابراین در ضمانت در برات مانند ظهرنویسی علاوه بر رضای ضامن شکل و صورت ضمانت از شرایط اساسی وقوع آنست.

برای اینکه شکل ضمانت صورت قانونی داشته باشد ضامن مکلف است ضمن امضای خود در پشت یا روی برات عبارت « برای ضمانت » یا عباراتی مشابه آنرا در بالای امضای خود بمنظور تشخیص نوع تعهد ذکر کند. هرگاه امضای ضامن در روی برات نوشته شده باشد ذکر عبارت « برای ضمانت » لازم نیست. اگر ضامن به امضای تنها در پشت برات اکتفا کرده باشد ظهرنویس سفید امضاء محسوب شده و مسئول اعتبار ظهرنویسان ماقبل خود میباشد مگر آنکه تسلسل امضای ظهرنویسان قطع شده باشد که در اینصورت امضاء کننده ضامن در برات محسوب میشود. چنانچه براتگیر بخواهد بعنوان ضامن روی براترا امضاء کند حتماً باید عبارت ( برای ضمانت ) را در بالای امضای خود بنویسد در غیر اینصورت امضای او بمنزله قبولی برات تلقی میشود مگر آنکه برای مرتبه دوم بخواهد براترا امضاء کند که در صورت مزبور امضای دوم او امضای ضامن در برات محسوب میشود. همینطور امضای اول صادرکننده در روی سند برای صدور برات و امضای دوم او در حکم امضای ضامن است ولی عده‌ای از دانشمندان میگویند امضای دوم صادرکننده برات بدون ذکر عبارت « برای ضمانت » مؤثر در مقام نیست.

همانطوریکه قبلاً گفته شد ضامن در برات مسئول اعتبار کسی است که از او ضمانت کرده باشد. بنابراین ضامن باید مشخصات مضمون عنه را در برات ذکر کند، چنانچه نام مضمون عنه در سند ذکر نشده باشد بموجب قانون متحدالشکل ژنو همانطوریکه قبلاً گفتیم فرض بر اینست که ضامن از صادرکننده برات ضمانت کرده است اعم از اینکه امضای ضامن در روی برات یا در پشت آن نوشته شده باشد مشروط بر اینکه ذینفع یعنی حامل برات سؤنیت نداشته باشد.

ذکر مبلغ مضمون به در برات برای تحقق ضمانت در برات شرط نیست ( ماده ۲۴۹ قانون مدنی ) مگر آنکه ضامن بخواهد به مبلغ کمتری از مضمون عنه ضمانت کند در اینصورت باید مبلغ مورد نظر خود را در برات قید کند.

تاریخ ضمانت برات در قانون تجارت ذکر نشده است، علیهذا ذکر تاریخ ضمانت در برات لازم نیست ولی عدم ذکر تاریخ ضمانت برات خالی از ایراد نیست، زیرا در صورت مزبور

حامل برات نمیتواند اهلیت ضامن را تشخیص دهد. در هر حال نامبرده میتواند از تمام طرق اثبات دعوی برای احقاق حق استفاده کند.

### ۳-۴ - ضمانت در برات در سند جداگانه

عده‌ای از دانشمندان مخصوصاً علمای حقوق فرانسه ضمانت در برات را بوسیله جداگانه مجاز دانسته‌اند، در صورتیکه حقوق دانان آلمان باین نوع ضمانت مخالفند. در قانون تجارت ایران نیز ضمانت در برات فقط با امضای ضامن در برات پیش‌بینی شده است. قانون متحدالشکل ژنو پس از مباحثات و تبادل نظرهای گروه‌های مخالف و موافق با ضمانت در برات بوسیله سند جداگانه موافقت کرده است و در عین حال بکشورهای امضاءکننده قانون متحدالشکل آزادی داده است که بهر نحو صلاح بدانند عمل کنند.

بهمین لحاظ مقنن فرانسه با توجه به اینکه ضمانت در برات در سند جداگانه هویت مضمون عنه را (که ممکن است وضع مالی خوبی نداشته باشد) مخفی نگه داشته و از طرفی تضمین چندین ضمانت در برات را در یک سند ممکن میسازد این نوع ضمانت را قبول کرده است لکن کشورهای دیگر مثل آلمان - بلغارستان - ایتالیا - ژاپن - سوئیس ضمانت در برات را در سند جداگانه رد کرده‌اند.

بنظر نگارنده با الهام از نظر آزادی اراده و تبعیت از مقررات ماده دهم قانون مدنی ایران و استنباط از اصول کلی حقوقی تنظیم ضمانت در برات در سند جداگانه مشروط بر اینکه مشخصات برات - مضمون عنه - قید ضمانت، تضامنی - مدت و محل تنظیم سند در آن ذکر شده باشد مخالف قانون نیست.

ذکر مشخصات برات و مضمون عنه برای تعیین نوع تعهد و کشور محل تنظیم سند به منظور رعایت ماده ۱۳۹۵ قانون مدنی میبایست.

### ۴-۴ - احکام و آثار حقوقی ضمانت در برات

چنانکه قبلاً گفتیم مقنن ایران آثار ضمانت در برات را مشمول احکام ظهرنویسی قرار داده است، با این تفاوت که ضامن در برات فقط با کسی مسئولیت تضامنی دارد که از او ضمانت کرده است حال آنکه ظهرنویس مسؤل اعتبار و ملائت و ایفای تعهد ظهرنویسان ماقبل خود نیز میباشد علیهذا در رابطه بین ضامن و حامل برات - رابطه بین ضامن و مضمون عنه - رابطه بین ضامن و سایر مسؤلین برات (بغیر از مضمون عنه) احکام ظهرنویسی بشرح زیر شامل احکام ضمانت در برات نیز میشود.

#### الف - رابطه بین ضامن و حامل برات

این رابطه مشمول قاعده عدم تأثیر ایرادات - اصل استقلال اسضاء در برات - اصل تحدید

حقوق و مسئولیت ضامن به حقوق و مسئولیت مضمون عنه است بنابراین ضمانت در برات عقدی است تبعی. اصول مذکور در فوق که قبلاً مورد بحث ما قرار گرفته است بمنظور تطبیق این اصول با مقررات ضمانت در برات، بار دیگر به اختصار یادآوری میشود.

عدم تأثیر ایرادات و رابطه ضامن یا حامل برات مانند رابطه ظهرنویسی با حامل برات است اعم از اینکه ایرادات اقامه شده مربوط به روابط مضمون عنه با حامل برات ( ایراد بطلان قرارداد اصلی ) یا ایراداتیکه مربوط بضمامن باشد ( اکراه ضامن ). ایرادات موقوف از طرف ضامن علیه حامل برات مسموع نیست مگر آنکه سؤنیت حامل برات ثابت شده باشد. ولی ایرادات مربوط به شکل و صورت برات، با استناد ماده ۲۲۶ قانون تجارت مؤثر بوده و در صورت اثبات موجب اخراج برات از شمول مقررات قانون تجارت میشود.

از اصل استقلال امضای مندرج در برات نتیجه گرفته میشود که ضامنیکه از مضمون عنه ضمانت کرده است مسئول است، ولو اینکه مضمون به بعلمتی از علل باطل اعلام شود بعبارت دیگر تعهد ضامن در برات مستقیماً از برات ناشی میشود و ارتباطی با تعهد مورد ضمانت ندارد. مثل مستحق للغیر درآمدن مضمون به یا آنکه امضای مضمون عنه جعل شده باشد. مأخذ و مستند تحدید حقوق و مسئولیت ضامن به حقوق و مسئولیت مضمون عنه مقررات ذیل ماده ۲۴۹ قانون تجارت است که سابقاً از آن بتفصیل گفتگو شده است.

بموجب مقررات ماده فوق نتایج زیر در رابطه بین ضامن و حامل برات بدست میآید:

- ۱ - حامل برات در صورتی میتواند به ضامن مراجعه کند که طبق مواد ۲۷۴ - ۲۷۹ - ۲۸۰ - ۲۸۶ - ۲۸۷ قانون تجارت راجع به مطالبه وجه برات و اعتراض و اقامه دعوی در مواعد مقرر عمل کرده باشد.
- ۲ - اقامه دعوی علیه ضامن مانند اقامه دعوی علیه ظهر نویس ( مضمون عنه ) تابع مقررات دعاوی اختصاری است.
- ۳ - ضمانت ضامن در برات مانند ظهرنویسی ( مضمون عنه ) شامل ضمانت قبول و پرداخت وجه برات دفعتاً واحده میباشد.
- ۴ - ضمانت ضامن در برات مانند ظهرنویسی تضامنی است. علیهذا حامل برات میتواند برای وصول وجه برات علیه مضمون عنه و ضامنین در برات ( در صورتیکه ضامن در برات متعدد باشد ) در آن واحد رجوع کند.
- ۵ - ضامن در برات در موقع مراجعه حامل حق ندارد به او تکلیف کند که بری وصول برات اول به مضمون عنه رجوع کند یا مبلغ برات را بین ضامنین تقسیم کند.

۱ - ولی اگر مضمون عنه صادرکننده ( مشروط بر اینکه وجه برات را در سر وعده به محال علیه نرسانیده باشد ) و یا محال علیه برات ( قبول کننده برات ) باشد، ضامن مکلف به رعایت مواد فوق نبوده و با وجود انقضای مدت اعتراض و خودداری از اقامه دعوی حق مراجعه به مسئولین محفوظ است ( ماده ۲۰۰ قانون تجارت ) .

۶ - در صورت مراجعه حامل برات ضامن حق دارد ایرادات مضمون عنه علیه او را به نوبه خود اقامه کند .

۷ - چنانچه حامل برات با تمديد دين موافقت كند ضامن تا انقضای مدت جدید مسئول خواهد بود، ولی حق دارد حامل را به دریافت طلب از مضمون عنه یا انصراف از زمان ملزم کند، ولو اینکه ضمان مؤجل باشد و در صورت استنکاف حامل از مطالبه طلب، ضامن فوراً و بیخودی خود بری خواهد شد ( مواد ۴۰۹ و ۴۱۰ قانون تجارت ) .

۸ - اگر حامل برات ضامن و مضمون عنه را از اصل دين بری كند هر دو بری میشوند ( مواد ۷۰۸ و ۷۱۸ قانون مدنی ) و ( ماده ۴۰۸ قانون تجارت ) .

۹ - با توجه به بند ۸ ماده ۲ و ماده ۳۱۸ قانون تجارت ضامن میتواند مانند مضمون عنه بجای مرور زمان عادی به مرور زمان پنجساله علیه حامل برات استناد کند .

#### ب - رابطه بين ضامن و مضمون عنه

ضامن در برات پس از پرداخت وجه آن ( ماده ۹، ۷ قانون مدنی و ماده ۲۴۹ قانون تجارت ) حق دارد به مضمون عنه ( ظهرنویس ، صادرکننده یا گیرنده برات ) برای استرداد مبلغ پرداخت شده به اضافه مخارج متعلقه و خسارت دیر کرد از تاریخ اعتراض رجوع کند . التزام مضمون عنه به تحصيل برات ضامن در مدت معین یا حواله ضامن به شخص ثالث با رضایت مضمون له بتأدیه مبلغ برات و قبول حواله از طرف شخص ثالث در حکم پرداخت وجه برات است ( مواد ۷۰۹، ۷۱۰ قانون مدنی ) چنانچه ضامن وجه برات را قبل از موعد پرداخت کند در مقابل اشخاصیکه نسبت به برات حقی دارند بموجب قاعده لاضرر و مقررات ماده ۲۵۶ قانون تجارت مسئول است . همچنین اگر ضامن، اعتبار یکی از ظهرنویسان را ( که حق دارد از غفلت حامل برات بعلمت عدم اعتراض یا خودداری از اقامه دعوی در مواعد مقررہ بنفع خود استناد کند ) تضمین کرده وجه برات را قبل از موعد پرداخت کرده باشد نمیتواند به ظهرنویس موصوف رجوع کند .

همانطوریکه در بالا اشاره شد پس از پرداخت مبلغ برات در موعد مقرر، ضامن میتواند از دو طریق وجوه پرداختی را مسترد کند یکی بعنوان ضامن عادی و بموجب قانون مدنی و آئین دادرسی مدنی و دیگری از طریق مقررات قانون تجارت . بدیهی است چنانکه قبلاً هم گفته شد ضامن پس از تأدیه مورد ضمان چون بموجب ماده ۲۴۹ قانون تجارت در ردیف سایر ظهرنویسان محسوب میشود علاوه بر مضمون عنه حق دارد به برات دهنده و سایر ظهرنویسان قبل از مضمون عنه برای استیفاء مطالبات خود رجوع کند .

#### ج - رابطه بين ضامن و سایر مسئولین برات ( غیر از مضمون عنه )

بموجب ماده ۷۰۹ قانون مدنی که میگوید ضامن حق رجوع به مضمون عنه ندارد مگر بعد از اداء دين و با توجه به بند سوم و قسمت اخیر ماده ۲۴۹ قانون تجارت که قبلاً مورد

بحث ما قرار گرفت در خصوص رابطه بین ضامن و سایر مسئولین برات ( غیر از مضمون‌عنه ) نتایج زیر بدست میآید:

- ۱ - ضامن که بعلت خودداری مضمون‌عنه ( یکی از ظهرنویسان ) از واریزدهی خود، وجه برات را پرداخته، حق دارد به ظهرنویسان قبل از مضمون‌عنه و همچنین به صادرکننده و گیرنده برات که براترا قبول کرده متضامناً رجوع کند.
- ۲ - در صورتیکه ضامن از صادرکننده برات ضمانت کرده باشد حق ندارد به هیچ یک از ظهرنویسان حتی به گیرنده برات رجوع کند، مگر در صورتیکه این شخص وجه براترا از صادرکننده دریافت کرده و سعذالک از تأدیه آن خودداری کند.
- ۳ - همینطور اگر مضمون‌عنه گیرنده برات باشد، ضامن حق رجوع به هیچیک از ظهرنویسان را ندارد. ولی اگر وجه برات به گیرنده آن نرسیده باشد ضامن مزبور پس از تأدیه وجه به مضمون‌له میتواند به صادرکننده برات برای وصول مبلغ مورد ضمانت مراجعه کند.
- ۴ - ظهرنویسی که وجه براترا پرداخته حق دارد بضامن در براتیکه از ظهرنویس قبل از او ضمانت کرده، برای وصول وجه پرداختی رجوع کند.
- ۵ - گیرنده براتیکه وجه برات بلا محلی را بحامل پرداخت کرده حق دارد بضامنی که در برات از صادرکننده ضمانت کرده مراجعه کند.
- ۶ - نکته دیگر عدم تأثیر ایرادات است نظریه اینکه ضامن در برات پس از پرداخت وجه آن طبق ماده ۲۴۹ قانون تجارت قائم مقام قانونی مضمون‌له، یعنی حامل برات، محسوب میشود، بنابراین مضمون‌عنه در موقع مراجعه ضامن نمیتواند به ایرادات خود ( مثلاً تهاتر ) علیه حامل، که وجه آنرا دریافت کرده، استناد کند زیرا حقوق ضامن مورد بحث بر اثر ظهرنویسی در برات مستقیماً ناشی از برات بوده است. علیهذا حکم عدم تأثیر ایرادات در مورد ضامن، مانند سایر حاملین برات، ساری و جاری است.

والسلام

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مركز جامع علوم انسانی

\* \*  
\*